

وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

میں کا

دیوان ہمایون علی

با

وزارت

دیوان ہمایون علی، تاج پور، تحصیل ہمایون علی، ضلع ہمایون علی،

—————

ریاست ہمایون علی، تحصیل ہمایون علی، ضلع ہمایون علی،

ثبت است در سفینه دانشوران دهر
از فیض رشحه های قلم ما جرای ما

تذکار

دیوان همایون اعلی



یا
وزارت مالیه

«دو پیراهون داستان قاری بخی استیفاء مما لك محرومه»

تویسنده: عزیز الدین و کیلی «فوفلانی»

تاریخ طبع

معماد طبع

برج اسد: ۳۳۰

۵۰۰ جلد

یادآوری

هنگامی که يك سلسله كتب تواریخ وطن را برای دریافت مضمون رساله دیوان اعلی تحت غور و مطالعه قرار داده بودم و هـ کذا در اسناد معتبر خطی هم که اسمأرجال معظم و مشهور افغانستان را تجسس میـکردم اشخاص صاحب مرتبه و حیثیتی که در ادوار ماقبل در وطن عزیز مصدر خدمات بزرگ شده بودند حین مطالعه بنظر مؤلف (خیلی ها) برخوردند ولی در رساله تاریخ دیوان اعلی [یاوزارت مالیه افغانستان] که در معرض مطالعه علاقمندان قرار میگیرد خاص درباره وزراء و کار پردازان آن میخوانم حرف بزنم و از نامهای بیشتر اشخاص تاریخی اگر شرحی نه بسته ام مطالع محترم ملتفت باشد که درین رساله از کسافی نام می برم که با شهرت ممدل بدیوان اعلی مملکت ارتباط خاصی داشته اند و با اعتبار اسناد معتبر خطی و كتب تواریخ بحقیقت پیوسته اند و از لحاظیکه نگارش بنده درین رساله از اصل مطلب تاریخ وزارت مالیه عدول نکند از تذکره احوال سائر رجال قابل قدر محض بسبب رفع طوالت مضمون منصرف شده ام و معذرت نگارنده را که با حیا نام گذشته گان نامی وطن علاقه مفرط دارم در این اثر آنچه از اسماء و با کار نامه های اشخاص تاریخی که در نظر ارباب معرفت جلوه نمیکند اعتذار بنده را بکمال لطف پذیرفته باشند۔

عزیزالدین



بندۀ خدا اعلیٰ حضرت الامتوکیل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه
معارف پرور و ترقیخواه افغانستان که در اثر توجهات خاص
ذات شهریار معظم ایشان تطورات محسوسی در کلیه
امور مادی و معنوی کشور تبارز نموده است .

مرام ناشر

مدیریت جریده ثروت وزارت مالیات خود را خیلی مسعود می دانند که در طول مدت یکسال نشراتی خود بعلاوه انتشار مضامین متعدد علمی و حقوقی و اقتصادی و مالی و ... به طبع و نشر رسایل و کتب مفید و قابل تذکر نیز گامیابی های پی در پی نصیب او شده میرود.

طبع کتاب اقتصاد رهنمائی شده پایان نیافته بود که کتاب مختصر تجارت بین المللی را بغرض استفاده علاقه مندان از هاشمین کشیدیم و هنوز این کتاب صحافی نه شده بود که رساله تأثیر عدالت در استفاده از منابع مالی و اقتصادی بچاپ رسید و آنهم توزیع نه شده بود که رساله مفید (دیوان اعلی و یا تاریخ وزارت مالیه) تالیف و تنقیح بنیاعلی عزیزالدین و کیلی «فوفلزائی» مدیر آرت و خطاطی مطابع هم در اخبار ثروت و متعاقب آن بصورت رساله علیحده از طبع برآمد.

این رساله حاوی مطالب تاریخی، مالی و حسابی از عصر احمد شاه کبیر تا دوره سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه محبوب افغانستان است.

البته آن هائیکه به علم و فرهنگ علاقه دارند مطالعه این رساله بی سابقه را از خدمات فرهنگی وزارت مالیه بحساب خواهند آورد و ما را بیشتر تحریص و تشجیع خواهند کرد تا در آینده خوب تر و بیشتر بتوانیم که آثار علمی مفید سایر نویسندگان مملکت را به طبع رسانیده و معروض مطالعه مطالعین قرار بدهیم.

ما بنوبه خود خدمات علمی جریده ثروت را مرهون رهنمون‌های
علمی و مسلکی جناب عبدالملک وزیر مالیه دانسته و افتخار مینمائیم که
ایشان موظفین جریده ثروت را در انتشار آن و در سایل و کتب مفید
تقویت می‌بخشایند و آن‌ها را از روی لطف انرژی میدهند که آرزوهای
بهفته خود را آشکارا ساخته می‌روند و خدمات علمی خود را روز بروز
در انظار منتظرین فرهنگ و معرفت بروز میدهند.
مقام یگانه ما طبع و نشر مفکوره‌های علمی نویسنده‌گان و مؤلفین
کشور بوده و آرزو مندیم که مشتاقان علم پس از اکتساب و مطالعه
نشریه مطبوعه جریده ثروت آنچه را در زمینه انتشار کتب و رسایل خوب‌تر
و بهتر بیندارند ما را به نقص اجراءات و کردار و بیندارها ملتفت سازند که
خوب‌تر و بهتر مصدر خدمات علمی بمملکت عزیز گردیم.

محمد یونس خیران مدیر ثروت



شاهلی سردار محمد داؤد صدر اعظم با ارادة
افغانستان که درایام تصدی حکومت شان، مملکت
عزیز از هر ناحیه مدارج ارتقا را پیموده میرود

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

وزارت مالیه خوشبخت است که در طی مراحل دوصدوده سال حیات تاریخی خود در کشور عزیز افغانستان دواثر توجه بهی خواهان مملکت در عصر زمامداری والا حضرت سردار محمد داؤد صدراعظم و عبد الملك عبد الرحیم زی وزیر مالیه به نشر اخبار زیرمه «ثروت» موفق میگردد و مقام بانامی را که در عرصه دوصدوده سال مصدر بزرگترین خدمات کشوری و اشکری شده است مراتب در یجی ادوار مترقی او را به همگان می شناساند.

وزارت مالیه و بامقامی که بدو نام دیوان هما یون اعلی بسر داشت در مملکت عزیز به تصور اکثر کسان از ۳۶ سال باینطرف آغاز میشود وای نام این وزارت و اساس آن هنگامی را بیاد میدهد که جهان کشایان نامی افغان در آغاز سلطنت درانی وافتتاح این وزارت اولین بار از زحمات سفر کشور هند و بخارا و مشهد در قندهار و راحت جسته و در پی زیبایی مملکت افغانستان و روفق افزائی حصار عافیت خه یشتنان در قندهار برآمده بودند.

سعادت وطن از آن قیاس میشود که وزارت مالیه بوسیله اخبار زیرمه «ثروت» میتواند از یکطرف در امور دانش و فرهنگ و بلند پریدن سویه افکار عامه و تولید منابع ثروت و توسعه شعب تجارت و تسهیل

امور زراعت خدمت کنند و از طرف دیگر درز و ایای تار یخ معاصر افغانستان برای روشن گردانیدن بعضی نکات مهم و احیاء خا طرات بزرگ خود و بوجود آوردن سر نوشت اشخاص قابل قدر مملکت کمک نماید و امیدواری بیشتر از آن معلوم میگردد که اخبار ثروت روزافزین و طرز العمل های ادوار تاریخی خود را متدرجاً روی صفحات خویش در محضر مطالعه ارباب ذوق ایضاح و علام میکند .

وزارت مالیه که نخست در مملکت عزیر ما بنام دیوان اعلیٰ بوجود آمده است خاطرات دو صد سال قبل خود را فرا موش نمی کند و اسم مؤسس و اسماً سامی متصدیان بزرگ خود را که بچه نام ها و بکدام عنوان ها و بچه زحمات در رأس این مقام بزرگ عهده وزارت و مراتب خدمت بسر کرده اند به ما می شناساند و در پهلوی وظائف اداری خدمات سیاسی، عسکری، عرفانی و جان نثاری های او شانرا با بنای وطن نیز خاطر نشان میکند .

اخبار عزیر مه « ثروت » افتخار دارد و افتخار می بخشد که توسط نشریه های مفید اولین بار چه در صفحات خویش و چه در نشریات جدا گانه از وزراء و همکاران اولی و ثانوی خود بقدر دانی نام می برد که هم خدمات وزارت مالیه را در ادوار مختلف واضح مینماید و هم از سال تاسیس تا دم حاضر عده رجالی را که با داشتن این عهده خدمات دیگر هم در راه خیر و سعادت وطن بجا کرده اند از سلسله اسماً ایشان توضیحات مستند و قابل قدری می دهد و مملکات سرود مندی را بغرض استفاده مردمانی که آرزو هندی استماع داستانهای شکوه و عظمت زندگانی پدران خودند در معرض طبع و نشر تقدیم میکند .

ع: و کیلی

وزارت مالیه در عصر

اعلیحضرت احمد شاه کبیر

در سنه ۱۱۶۱ قمری که اعلیحضرت احمد شاه غازی شهنشاه نامی
افغان تاج خسروی بر سر وقام آزادی کامل بر مملکت گذاشت آن دم
افغانستان با تصاحب استقلال سیاسی و تاج و تخت شاهی و حصول موقع
مساعده قواست که به تشکیل اسامات یک سلطنت قاهر و قائم بپردازد و در اثر
اقتدار کامل از کشورها باج ستاند و به افسرها تاج بخشد.

چون وجود وزارت مالیه که در یک مملکت از حیث دارائی امور مالی
اقتصادی، زراعتی و تنظیم دخل و خرج و عوائد و مصارف مملکتی و اخذ
خراج از بلاد متسلطه هند و ایران بمرتبه اول ضرور بود نظر به کثرت

نوت در سال ۱۱۶۲ قمری در سال دوم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر در حمله سوم اعلیحضرت
ممدوح بر لاهور حین وصول همدرانجا بامیر منو معین الملک جنگ خفیفی بوقوع پیوست
و در اثر قوت و شدت لشکر احمد شاه درانی بصلح انجامید در نتیجه اعلیحضرت احمد شاه
کبیر باراضی متصرفه نادر شاه افشارتر کمان فعلا اکتفا کرد و مالیات سیال کوت و گجرات
اورنگ آباد و بر سرپا - امرت سرور - چهار مجال را بر عهده میرمنو گذاشت که بسبیل
استمرار بکاربرد از ان دولت سپارد و خود اعلیحضرت احمد شاه بعد از متعهد ساختن میرمنو
به پرداختن مالیات هر چهار مجال جانب کابل و قندهار رایت مراجعت افراشت.

از جمله مالیات عصر اعلیحضرت احمد شاه کبیر - شکارپور در سال شش لک روپیه با جاره
عبدالخالق خان سدوزائی بود که همه ساله به دیوان اعلی شاهی تحویل میداد و در اثر
باقی دهی همین اجاره شش لک روپیه کیفیات او بجائی برسید که در سنه ۱۱۸۶ قمری مصدر
بزرگترین فتنه گردید و ماجراء عجیب او در وقایع جلوس تیمور شاه در کتاب موسوم به
تیمور شاه درانی اثر بنده مفصل فکاشته شده است.

گرفتاری و فکر کشور کشائی اعلیحضرت احمد شاه غازي شهنشاہ معروف و مدبر افغان و وظائف حربی که در بدو سلطنت به سه نفر وزیر با تدبیر او سپرده شده بود چهار سال عهده این وزارت در حال ابتدائی تحت اثر یکمفر میرزا باشی اداره شد که تا آن دم شکل و زارت و زما مداری هم به مرتبه وزیر نداشت میرزا باشی در آن حال با عده ای میرزایان محاسبتش به کلیت امور محاسبات مملکت و ارسائی می کرد که میرزا باشی آنوقت از سنه ۱۱۶۱ قمری الی ۱۱۶۵ قمری شاه پسند خان قوم اسحق زائی و آن شخصی که قبل از سلطنت اعلیحضرت احمد شاه درانی در قطار ده نفر عظیم قبائل قندهار محسوب میشد اداره گردید و کلمه شاه پسند هم لقب او برد که از طرف اعلیحضرت احمد شاه غازي برایش داده شده بود و اسم او شاه پسند نبود مثل شاه ولی، شاه دوست، جان نثار، سرفراز، وفادار و امثالهم. در اواخر سنه ۱۱۶۵ قمری پس از راحت زحمات سفر همد و عودت از فتح کشمیر با هر واراده سنیه اعلیحضرت غازي احمد شاه کبیر نظر به کثرت ذخائر جنسی و روز افزونی خزائن نقدی و معاش و مصارف دولتی و تقنین دخل و خرج مملکتی و تعیین جایگیر امراء قبائل و افراد لشکر و ماهورین و غیره وزارت مالیه را بنام [دیوان همايون اعلی] بناء گذاشتند که مؤسس و متصدی اول دیوان اعلی یا وزارت مالیه در افغانستان همان مرد مدبر و سیاسی افغان سردار عبداللہ خان فو فلزائی اولین فاتح شهر سرهند در ۱۱۶۲ قمری بود که بقول صاحب تاریخ افغانه و صاحب تاریخ احمد شاه درانی در اردو کشی اول احمد شاه بصوب هندوستان بحیث یک افسر برگزیده

نظامی بدلقب اردو باشی [رئیس اردو] در دفعه اول شهر سرهند را به میلکت افغانستان الحاق کرد و بقول صاحب کتاب سیرالمتاخرین و صاحب خزانه عامره [تذکره الشعراء هندی] و جوامع المتواریخ و تاریخ احمدی و سلطانی اولین فاتح و فرمان فرمای کشمیر در ۱۱۶۵ قمری بود که بجائزه هردو خدمت ذی قیمت عسکری که ۱۲ هزار سوار درانی بطور دائمی در تحت رایت او بود توانست که باین عهده رفیعه در رأس دیوان اعلی ارتقا یابد و ازان تاریخ با هر وزارت مالیه و وزارت عدلیه و تجارت و کمر کسات و خزائن که هریک جزء وظائف و تشکیل وزارت مالیه دران روز بود ادامه دهد [۱] و مستوفیان را از هند تا خراسان و از طخارستان تا بلوچستان در تحت اثر

نوت : در سال دهم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر و یورش پنجم شاه موصوف بجانب لاهور و هند در سنه ۱۱۷۰ قمری که از قندهار برای کابل مرحله پیمای صوب لاهور گردید بعد از وصول و اقامه چندی در لاهور وقت که در دهللی رسید پس از توقف یکماه در آنجا در خلال احوال مذکور بصلاح و صواب دید اعلیحضرت عالمگیر ثانی شهنشاه مغلی هند و وساطت سردار جهان خان فوغلزائی سپه سالار مبلغ پنجاه لک روپیه برسم و اسم پیشکش از نظام الدوله یسرفهرالدین خان وزیر الممالک مطالبه گردید و بشرط تقدیم آن منصب وزارت کشور هند را بوی مژده دادند .

نظام الدوله از دون همتی و خست طبع قبول نکرد مجرم خان که از جمله خواجه سرایان بارگاه اعلیحضرت احمد شاه درانی بود مامور تجسس نقدینه وی گشت و بعد از آنکه تمام اندوخته و نقدینه او را بران نمود قرار حساب کارپرد ازان دولت ده کروڑ روپیه عاید خزینه دیوان اعلی مملکت گردید .

(۱) ضرابخانه در عصر سلاطین سدوزائی عنوان زرگر خانه داشت و زرگر باشی لقب رئیس او بود که تحت اثر دیوان اعلی مثل امور وزیر و طبقه مسکوکات طلا و نقره رسیدگی می کرد .

همین عنوان اداره نماید. دارنده این وزارت در دفعه اول در قند هزار به عنوان دیوان بیگی [امیردفا تر] قرار یافت که اینک شواهد ذیل را از تشکیل آن وقت حکومت ایران بطور مقائسه و مثال با هم می نگاریم :

سرجان ما لکم مورخ انکلیس در باب قواعد مالییه در ایران و روابط و وظائف دیگر مربوط دیوان اعلی می نویسد که : قواعد مالییه در ایران بر دو نوع است یکی روی کتب که در جمیع ممالک اسلام جاریست و محکمه دیگر هست که آنرا محکمه عرف گویند [وظائف قضائی و جزائی امور شرعیه را نیز با اداره مالییه و آمر آن منسوب کرده میگوید] امر قتل را به شرع رجوع کرده بعد از ادای شهادت و فتوای شیخ الاسلام حکم را جاری می کنند قبل از سلطنت نادر شاه افشار آمر محکمه را صدرا الصدور و دیگر از صاحب منصبان محاکم عدلی ایران را مفتی مینامیدند در ایام صفویه دیوان عدالت دیگر داشتند و کسی را که بران مقرر بود [دیوان بیگی] مینامیدند و هر قتل و سرقت که در پای تخت و جمیع ممالک مجروسه واقع میشد باستحضار وی انجام می یافت منقول است که فیصله و حکم چهار امر مخصوص [دیوان بیگی] بود - علاوه می کنند که حکم قتل و هر گونه جزای بزرگ که سابق از صلاحیت پادشاه بود بوکالت خویش شخصی را که بدان عهده بر گماشت دیوان بیگی لقب داد «ص ۱۵۳ باب ۲۳ تاریخ سرجان ما لکم»

جناب میر هوتک خان افغان شاعر معاصر اعلی حضرت تیمورشاه مطابق مضمون سرجان ما لکم در رثای دیوان بیگی افغانستان چنین می گوید .

چود یوان بیگی از دار فنا رفت	نمودند از غمش پیرو جوان حیف
لقب بودش وکیل الدوله از شاه	میرس از اعتبارات جهان حیف
چو او می بست بار رحلت از دهر	زمین افسوس می گفت آسمان حیف

نکارنده بقرار نوشته سر جان مالکم مؤرخ انگلیس که درباره احوالات ایران پرداخته است بفرض تشبیت عنوان وزیر مالیه و تعیین مقام آن در عهد سلاطین معظم سدوزائی افغان و مقائسه باتشکیل ممالک همجوار و سلطنت های همعصر آن می پردازم زیرا که در عهد سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر به لقب خان علوم؛ خان ملاخان [۱] قاضی القضاة، شیخ الاسلام - سدر الصدور مدارالمهام امین محکمه معادل وزیر عدلیه در امروز شناخته نشد و در نقشه شهر احمد شاه قندهار که اثر مستند و ماخذ خیلی معتبر است جز عمارت دیوان اعلی و دفتر خانه خاص که دارالتحریر شاهی آنوقت بود منزلی بنام محکمه و یا باصطلاح آنوقت قاضی خانه ملاحظه نشد اصح روایت اینست که امور وزارت عدلیه جزء تشکیل دیوان اعلی مملکت بود که امور وزارت عدلیه و پاره وظائف وزارت داخله و گمرک و تجارت مثل سائر امور مجاسبات دولت در تحت اثر شخص دیوان بیگی و دیوان اعلی [وزارت مالیه و عدلیه] قرار داشت و سر جان مالکم علاوه می کنند که معاملات قتل اشخاص که قبل به پادشاه تعلق داشت بعداً بوکالت پادشاه شخص دیگری که اجرامی نمود لقب او دیوان بیگی بود یعنی قوه اجرائیه و جزائیه بدون از دیوان اعلی و برون از اقتدار دیوان بیگی بود و هیچ فرمان

(۱) در عصر اعلیحضرت دوست محمد خان و بعد از آن همین لقب خان ملاخان و خان علوم در مملکت رواج داشت مثلاً ملا محمد سعید خان بارکزی از عصر شاه محمود سدوزائی تا اینوقت بحیث قاضی القضاة و خان علوم شهرت داشت و بعد از وی قاضی عبدالرحمن خان خان علوم مقرر گردید و پسرش قاضی عبدالسلام خان قاضی قندهار بود و بعد از وی قاضی سعدالدین خان بن قاضی عبدالرحمن خان بقضای قندهار مقرر شد.

و مدارك خطی هم كه از آغاز عصر سدوزائی تا انجام بازمانده است بعنوان دیگری تصریح و تثبیت نكرده است كه معاملات حسابی و اداری كشور جز این اداره به شعبه دیگر و یا شخص دیگری ارتباط داشته باشد مثلاً در عصر حاضر در اصول اساسی دولت علمیه افغانستان محكمه بنام دیوان عالی بعضاً برای محاكمه وزراء دولت عند الاقتضاء مؤقتاً تشكيل می یابد و بعد انجام امور بیکه با وسپرده می شود فسخ می گردد و در عصر سدوزائی این محكمه نیز جزء دیوان اعلی مملکت بود كه بوكالات پادشاه و بجای رئیس محاكمات دولت آهر بزرگ دیوان اعلی محاكمه اشخاص بزرگ را در دیوان اعلی دائر می ساخت و بعد انجام محاكمه جزاء لازم را به شخص مسئول میداد ولی در عصر حاضر در قانون اساسی دولت این محكمه را مؤقتاً از دائر شدن فرموده است و در آن وقت بطور دائمی تحت اثر دیوان اعلی با دیگر محاكم عدلی و امور دیوان مالیه اداره میگردید .

در عهد سلطنت اعلیه حضرت احمد شاه غازی سردار عبدالله خان فوفلزائی دیوان بیگی در رأس قاضی خانه [محكمه شرعی] و عده مستوفیان و مستاجران و اشكر نویسان و جزائر چیان و شهنة گجخانه و قورخانه و جبه خانه و دفتر خانه از قبیل دفتر خالصه ، دفتر مواجب ، دفتر اسناد و باصطلاحات طوهار و روزنامه و غیره ۲۰ سال باین عهد رفیعه قیام داشت و عنوان وزارت مالیه در اسناد خطی بنام [دیوان اعلی] و لقب وزیر مالیه كه سائر امور اداری

نوت: در ادوار گذشته دفاتر دیوان اعلی بنامهای دفتر خاصه ، دفتر خالصه ، دفتر مواجب ، دفتر حساب ، دفتر اسناد ، دفتر ثلثات ، دفتر را هداری ، دفتر روز نامه ، دفتر ثبت ، دفتر انشاء یاد میشد .

کشور نیز بدو تفویض و جزء همین اداره بود [دیوان بیگی] نامیده شد و از روی نفوذ اداره و کفایت شخص اخیراً به [وکیل الدوله] ارتقا یافت و نام او در نقشهٔ تعمیر شهر قندهار [منظومهٔ کتاب تیمور شاه درانی] به مستوفی الممالک و وکیل الدوله در سنه ۱۱۸۰ قمری سال نوزدهم سلطنت احمد شاه کبیر شناخته شده است و کتابی هم که بنام قناتوای احمد شاه در علم فقه و زبان ملی پنبه تألیف کرده است مراتب علمیت مرحوم را در علوم شرعیه نیز ثابت و قول نگارنده را تأیید میدارد دیوان دیدری که بزبان ملی پنبه و بعض اشعار فارسی تصنیف کرده است قدرت او را در هر دو زبان ثابت میکند که شاعر متوسط و متصوف هم بوده است یکی از حکایات مشهور آن مرحوم اینکه اعلیحضرت احمد شاه غازی برای او لقب جهاندار خان بخشیده بر دچون اسمش عبدالله بود از آن لقب در گذشت و به لقب جهاندار مسرور نشد چنانچه در مقاطع اشعار خویش در پنبه و فارسی اسم خود را عبدالله می نویسد و در مقاطع اشعار بطور عموم مثل اعلیحضرت احمد شاه کبیر که عوض تخلص در اشعار خویش احمد شاه مینویسد - اعلیحضرت تیمور شاه و شاه شجاع نیز از داشتن تخلص اباورزیده اند این شخص نیز اسم عبدالله را به تخلص و لقب مبدل نیکرده است :

[ادوار دالایس پیرس] مؤرخ انگلیس باستناد کتاب فریر در مقدمه کتاب عروج بار کنزائی اثر خویش از جناب موصوف بنام عبدالله خان «سرقبیلۀ فوفلزائی» دو بار اسم می برد چنانچه از قول فریر معلوم میگردد که دیوان بیگی مرحوم کتابی هم در تاریخ عشائر درانی نوشته باشد چون

وکیل الدوله



جناب سردار عبداللہ خان مرحوم (قوم فوفزائی) دیوان بیگی مشہور۔ رکن رکن سلطنت احمد شاہ کبیر۔ مؤسس (دیوان ہمایون اعلیٰ) یا وزارت مالیہ و عدلیہ در افغانستان شخصی کہ علاوہ برخدمات عسکری مدت نزدیک سال بعنوان دیوان بیگی و وکیل الدولہ در عہد شہنشاہ موصوف و ۱۲ سال در عہد سلطنت اعلیٰ حضرت تیمور شاہ بعنوان وکیل الدولہ در رأس تمام امور اداری کشور قرار داشت۔ (متملق صفحہ ۱۰۔ رسالہ دیوان اعلیٰ)

خدمات او با سوانح مختصرش با ذکر تصانیفش در کتاب تیمور شاه درانی
اثر بنده مندرج است اینجا از شرح زندگانی مرحوم خود داری نموده
و بغرض اثبات تنها سجع مهر مرحوم را می نگارم :

دیوان بیکی ممالک محروسه

یافت از فضل الهی عهدشاه دین پناه

عبدالله بر مسند دیوان اعلی تکیه گاه ۱۱۶۶

از مستوفیان نامی عهد اعلی حضرت احمد شاه غازی که در دیوان اعلی
مملکت شرف ملازمت داشتند يك تن حاجی شیخ عبدالمطیف الجا می بود
که سلسله نسبش به حضرت شیخ احمد جام ژنده پیل میرسد. و اندگری میرزا
علی رضا خان موسوی [۱] بود و دیگری میرزا امان الله بود که پسر او
عنبرین نام داشت [۲] و شخصی که در محکمه شرعی قندهار مقام قضا داشت
محمد ادريس خان بود که کتاب کامل الصنائعین را حسب الامر اعلی حضرت
احمد شاه غازی بزبان فارسی ترجمه کرده و بنام فرسنامه موسومش ساخته
است و آن نسخه گران بها حال در کتابخانه شاهی کابل محفوظ است. قاضی
محکمه هرات ملا فیض الله خان دولت شاهی [وزیر عهد تیمور شاه] بود قاضی
محکمه شرعی کابل ملا عبد الله اسم داشت که اسم پسر او ابو الفضل بود.

(۱) علی رضا موسوی شخصی که در کابل گذر علی رضا خان بنامش یاد میشود و بانی
همین گذر شخص میرزا علی رضا موسوی بود.

(۲) عبارت مهر پسر میرزا امان الله که در پای يك ورق فرمان اعلی حضرت
شاه شجاع الملک سدورائی به مشاهدۀ نگارنده پیوسته است عنبرین ابن امان الله خوانده
میشود و عنبرین مذکور از عده نویسندگان و منشیان عصر شاه شجاع الملک بود.

یکی از مستوفیان نامی افغانستان سکجیون مل نام از قوم کهتری اهل هندو متوطن کابل بود که این شخص صاحب قلم درسنة ۱۱۶۱ قمری برای استر دادپول مالیات ولایت کابل نزد معین الملک به سفارت هند فرستاده شده بود و پس از حصول مدعا و معاودت او به قندهار در سال ۱۱۶۵ قمری که اعلیحضرت احمد شاه غازی سردار عبدالله خان فوفلزائی ایشیک اقا سی [ثم دیوان بیگی] را بغرض فتح کشمیر بدان صوب فرستاد این وقت سکجیون مل نیز در جمله ملتزمین رکب سردار عبدالله خان موصوف همراه فرستاده شد وقتی که سردار عبدالله خان کشمیر را فتح و تحویل گرفت و کار گذاران عالمگیر ثانی را از آنجا بر کشید خواجه عبدالله خان بن نواب عبدالصمد خان محمد زائی را که نسبت بزرگی عبدالله خان دیوان بیگی که آنوقت رتبه [امیر لشکر] داشت او را بنام خواجه عبدالله خان کوچک یاد می کردند یعنی سردار عبدالله خان فوفلزائی نامیده رده را پس از فتح کشمیر بحیث نائب الحکومه مقرر کرد و همچنان سکجیون مل نام هندو را بحیث استیفاء مسالک فرمان داد و وقتی که زمام حکومت خطه کشمیر بدست اقتدار حکومت افغانی قرار گرفت او این مستوفی سلطنت افغانستان همدرانجا سکجیون مل هند و بامر سردار عبدالله خان فوفلزائی مقرر گردید سکجیون مل الی ۱۱۷۷ قمری ۱۳ سال این عهد را بسر برد (۱) سکجیون مل بقول صاحب کتاب سیر المتاخرین شخص نیک عقیده و قریب الاسلام و آدم خوب صورت بود که نامبرده بعد از فراغ امور دیوانی به مجلس

[۱] شرح کیفیات سکجیون مل هندو مستوفی متمرکد کشمیر دریا و رقی های صفحات ۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳ کتاب تیمور شاه درانی ملاحظه شود.

شعرا و دانشمندان وقت خود را بسر می برد که حتی بشعراء زبده کشمیر
امر کرده بود که تاریخ کشمیر را از ادوار گذشته الی عصر استیفاء خودش
برشته نظم در کشند

سکجیون مل بك تن از مستوفیان نامدار عصر احمدشاه کبیر بود و در
ضمن وقائع عهد شهنشاه مبرور ازان مستوفی اسم برده میشود:



عهد سلطنت اعلیٰ حضرت

تیمور شاه سدوزائی

درسنة ۱۱۸۶ قمری که اعلیٰ حضرت تیمور شاه درانی باور نگ سلطنت موروثی تکیه زد به تقاضای عصر و مرام سیاسی حکومت خویش به توسیع این وزارت که سرچشمه حیات مدنی و مؤلف منابع و مؤجد مدارک ما دی مملکت است چنین کوشید که وکیل الرعایا - امین محکمه مالیاتی : مهمتم دفاتر - امین المملک ، ذخائر چایی - داروغه مالیات و ضابطه و نگران های الثبات [یعنی سه یک] و امثال آن افزود که این همه اسماء و عنوان های فوق الذکر در همان دیوان اعلیٰ مصروف ایفای وظائف خویش بودند و شخصی که در رأس تمام امور کشوری و لشکری عصر تیمور شاه بحیث نائب السلطنه

فوت: در متن صحائف تاریخ معاصر افغانستان کلمه خالصه و خالصه جات زیاد بنظر میرسد و برای اینکه موضوع خالصه و لفظ معاف و مرفوع القلم مبهم نگذارد برای تأیید مطالب صفحات گذشته معلومات ذیل پر داختم میشود :

در عصر سلاطین گذشته عادت بود تا فردی در امور عسکری خدمتی مهمی را انجام میداد بمنصب بزرگ عسکری و ملکی پذیرفته نمی شد و اعطای رتبه رفیع را بجائز خدمت مهم پسندیده بودند و همچنان در بدل خسارات مشقات زیاد کشور کشائی که بعضاً برادر یا فرزند کسی بقتل میرسید و یا شخصی از خدمتگاران سابق دار که از کبر سن قوه حرکت نمیداشت مانند حقوق تقاعد در امروز بنام جایگیر املاک زراعتی را برای امراء و خوانین افغان می بخشیدند و اراضی بخشیده «مکافات» در دفترشاهی بنام خالصه یاد میشد و کسی که حدود و مقدار جریب زمین او در دفتر خالصه قید میشد مالیات او نیز معاف و با اصطلاح مرفوع القلم میبود - هکذا لقب امیرالا امراء - امیر - خان خانان عمدة الخوانین و امثال آن در برابر یک خدمت نسبت میشد .

قرار داشت سردار عبدالله خان فوفلزائی مؤسس و متصدی اول دیوان اعلی مملکت بود - شخصی که در عهد سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه درانی سدوزائی عهده و کیل الرعا یا حاصل کرد حاجی شیخ عبداللطیف الراجا می بود که در عصر سلطنت اعلیحضرت احمد شاه غازی درز مره مستوفیان در دیوان اعلی [وزارت مالیه] رسمیت داشت و در جنگ ملتان با نژده هزار فوج در تحت رایت او سردار مدد خان اسحق زائی بود و وقتی بغرض اخذ مالیات مشهود نیز در انصوب فرستاده شده بود اما از لحاظ ظلم که در او ائسل سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه درانی نظر به غیظی که از اعلیحضرت موصوف درباره امراء سرکش طائفه درانی غالب شده بود شیخ عبداللطیف خان را جهة زحمت آنها در وظائف اداری کشور اختیار کامل بخشید و آن وکیل الرعا یا یا مستوفی الممالک از فرط اخلاص شعاری بدولت تیمورشاهی اول باقیات که بر ذمت مردم خصوصاً امراء درانی از عصر اعلیحضرت احمد شاه غازی گذاشته بود نظربه پیشنهاد او و امراء کید و شدیدا علیه حضرت تیمورشاه باقی دهان پول مالیات و غیره را برای تادیبه پول جلب نمود که در اثر همان شتاب و قاعا قبت اندیشی شیخ عبداللطیف خان واقعه عبدالخالق خان سدوزائی ظهور کرد و پیشنهادهای پیهم شیخ عبداللطیف خان [۱] در طبقات ملت چنان اثر بد بخشید که تمام اقوام درانی از عصر سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه مکدر و شاد و این رویه شیخ عبداللطیف خان مصدر چندین فتنه و فساد بشد اما در قطار مستوفیان و کارپردازان بزرگ آنوقت

شخص با فضیلت و صاحب سلسله نسب بود مگر از احاطه ظیکه اقتدا را مرأ در انسی را سلب کردن میخو است او اخر عمر خود را به ذات بسربرد که حتی در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان خانه نشین و رثه موصوف هم ضبط شده و برای رهائش یکی از مهمانان هندی سپرده شده بود:

مستوفی الممالك یاو زیر مالیه اوائل سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه همین شخص شیخ عبد اللطیف خان بود که اخیراً بلقب وکیل ارا عیا ملقب شده بود و نامبرده در او اخر سلطنت تیمور شاد هرات که مسکن اجداد او بود فوت شده و در قریه گذره هرات مدفون گشت.

امین المملک عصر شهر یار موصوف نور محمد خان بابری بود که در ابتدا مهمتم دفاتر مالیات و سپس بنام رئیس محکمه مالیات و بالاخر بنام امین المملک بحیث مستوفی الممالك عزافتخار حاصل نمود و صاحب کتاب دینتمو تارینخ میگوید که در اثر سعی و اهتمام خود خزائن تیمور شاه را به یما نه بلند رسانید که معا صرین او خدات قابل وصفش را هر رد تمجید میدانستند - سجع مهر امین المملک موصوف در اوقات ریاست محکمه مالیات به عبارت [عبده نور محمد] و در وقت امین المملکی اش به چنین بیت مسجع گردیده بود :

بدولتخواهی سلطان دوران امین المملک شد از دل و جان [۱]
 اعلیحضرت تیمور شاه در انی وقتی که شهر بلخ را در سنه ۱۲۰۴ قمری از اثر تعرض شاه مراد بی حکمران بلخ را مکرر نجات بخشید چون

(۱) حرف دو، در کلمه دوران علامت ضمه است و اصلاً « دران » صحت است اشاره به در دران منسوب به درانی.

ثروت بیشمار دیگری عائد خزائن سلطنتی تیمور شاهی گر دید در سنه ۱۲۰۵ قمری که یکسال از واقعه تمر شاه مراد مذکور سپری شد شخصی را برای تنظیم اموراتی کشور به عنوان دیوان بیگی برگزید و دیوان بیگی این وقت بقول شهزاده علی قلی میرزای اعتضاد السلطنه ایرانی نویسنده تاریخ افغانستان میر هزار خان الکو زائی بود که در نیمه سال ۱۲۰۵ قمری دو سال قبل از فوت اعلیحضرت تیمور شاه بصوب بلخ فرستاده شد اما میر هزار خان موصوف در عرض راه کابل و بلخ فوت گردید و این رتبه را بیش از یکماه نتوانست بسر برد یعنی دو مین شخصی که بنام دیوان بیگی در تاریخ مملکت شناخته شد میر هزار خان الکو زائی بود ولی ازینکه عمر با او مساعدت نکرد اثری از وی باقی نماند. نور محمد خان بابری امین الملک عهده خود را الی اواخر سلطنت زهان شاه سمرقانی نیز بسر برد که بعد از حیات او این عهده به محمد اکرم خان فوفلزائی بن حاجی کریمداد خان عرض بیگی دربار احمد شاه کبیر سپرده شد. نور محمد خان بابری در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان سدوزائی چهار هزار نفر از غلام خانه قزلباش کابل نیز در تحت اثر داشت که در هنگام محاربات بحیث یک ژنرال ایفاء وظیفه مینمود و در اوقات امنیت به همان وظیفه استیفاء ممالک رسیدگی میکرد ولی قسمت دارالقضاة در این عصر به لفظ مدارالمهام که پاره وظائف وزارت داخلیه امروز نیز بانجا ارتباط داشت تعلق گرفت و امور مجاسبات دولت کما فی السابق به دیوان اعلی مفوض شد و وظائف قضا و جزا از صلاحیت دارنده دیوان اعلی برون گردید.

چون مراتب قاضی فیض الله خان به شهرت مدارالمهام و یا امین المملک به اوراق فرمانهای رسمی آنوقت تصریح نشده است تنها بقول مؤرخان اکتفا کردیم و حقائقی که درباره تعیین رتبه اشخاص آن عصر در اسناد خطی بنظر بنده برخورد کرده است در نگارش مؤرخان افغانی و هندی و ایرانی اغلاط و اشتباه زیاد موجود است:

در همه حال وزارت مالیه در ۲۲ سال سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه غازی ز سنه ۱۱۸۶ قمری الی ۱۲۰۷ قمری به چند نفر فوق و ملا عبد الغفار خان جدید الاسلام و التفات خان خواجه سر اعلیٰ گرفت که وظائف مالیاتی را بادر امور کشوری و لشکری که اداره و انتظام لشکر نیز به زمامداران و کارپردازان وزارت مالیه مفوض و متعلق بود به مفهوم وزارت مالیه و وزارت دفاع ملی امروز می پرداختند و در هر دو عصر دیوان اعلیٰ وزارت مالیه امور داخل و خارج لشکری را توسط لشکر نویس ها و قطارت کمرکات و تجارت و اداریه عمال و ضباط و امور نقلیه را توسط میر آخورها و پیش خانه چی ها و قورخانه چی ها و راسی هینمودند.

نوت: در قسمت تشکیلات عصر سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه درانی بنظر به معلومات زیادی که در کتاب موسوم به تیمور شاه درانی گرد آورده شده و بطبع رسیده است درین رساله قدری سطحی میگذریم اگر مطالع آرزو مند تحقیقات فراوان باشد در اثر مذکور رجوع نماید و هکذا اگر معلومات بیشتر را در قسمت سلطنت اعلیحضرت شاه زمان نیز بایست با تمایم کیفیات بخوانند مطالعه کنند نشر کتاب درة الزمان را که تحت تأیید است مع الخیر انتظار داشته باشند.

در بر

عجبه ی که شیخ پیدا | جل و اهیست بپشتون سیا



عبدالله خان الکوزائی ملقب به مخزن الدوله یکی از حکام بزرگدانا فی کشمیر - شخصی در زمان حکومت وی
(به مدت سلطنت زما نشاهد رانی) پول مالیات کشمیر در سال ۲۴ لک روپیه پخته بشمار می آمد و این ثمنال مجمل او کددر
عصر حکومت خود در کشمیر از طرف مصوری تصویر شده است در متن قصیده مدحیه رحمت داوی شاعر معاصر در کتاب
قلمی موسوم به لیلی و مچنون مندرج است و از حسن گفتار شاعر معلوم میگردد که نائب الحکومه موصوف علاوده بر انتظام امور
حکومت آنجا بیغت جود و بخشایش و پرورش علماء و شعراء نیز توجه خاصی داشت. «متعلق صفحه ۱۹۱ ساله قدیر و ان اعلی»

عصر زمانشاه سدوزائی

در سنه ۱۲۰۷ قمری در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان نیز شخص امین المملک نور محمد خان با بری الی اخیر عمر خود عین همین وظیفه را بسر برد و بعد از آن محمد اکرم خان فوفلزائی بن حاجی کریمداد خان این عهد را اشغال نمود که مستوفیان و مستاجران مالیات و داروغه های مالیات و جزائر چیان و خزانه چپی ها و ذخائر چپی ها کما فی السابق تحت امر او با مور مالیات مملکت و معاش عسکر منظم و تعیین جا یکیر امراء و ماورین و استیفاء محاسبات اراضی مملکتی بوسیله دفتر خالصه ریاست کرده اند [۱] و همچنان در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه محمود و اعلیحضرت شاه شجاع المملک یعنی از ۱۲۱۶ الی ۱۲۵۸ قمری به عین همین ترقیب با اسم امین المملک و نظام المملک بجای لفظ وزیر مالیه موجوده و د اخلیه و غیره ایفا وظیفه نموده اند که امین المملک معروف عصر شاه شجاع همان محمد اکرم خان فوفلزائی بود که در اثر خوش بینی اعلیحضرت شاه زمان در عصر سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع المملک دارای رتبه و منزلات بود چنانچه در اثر تقرب او حافظ شیر محمد خان مختار الدوله رارشک عموزاده گی غالب شد که اخیراً شهزاده قیصر بن اعلیحضرت شاه زمان را که برا در زاده عینی اعلیحضرت شاه شجاع بود با غوا برانگیخت .

(۱) در چهار ورق فرمان اعلیحضرت شاه زمان متعلق اسناد خاندانی بنده پهلوی مهر ملا عبدالغفار خان جدید الاسلام کلمه استیفاء ممالک اشاره شده است ولی هر چهار ورق در سنه ۱۲-۱۴ قمری نوشته شده است اینجا بقرار نوشته مؤرخان و اسناد خطی قدری اختلافات موجود است.

توضیح این مقال آنکه محمد اکرم خان امین الملک بن حاجی کریمداد خان برادر آزاد خان و آن شخصی که در نواحی قریب پشاور به همدستی اعظم خان فوفلزائی مساقچی باشی و عبدالغفور خان فوفلزائی به طرفداری اعلیحضرت شاه شجاع الملک در جنگی که مقابل شهزاده قیصر بن اعلیحضرت شاه زمان فرستاده شده بودند حافظ شیخ محمد خان مختار الدوله را بابرادرش حاجی میراحمد خان بکشتند و اخیراً در جنگ واقع نموده بمقابل لشکر اعلیحضرت شاه محمود [علیه اعلیحضرت شاه شجاع الملک] خود امین الملک محمد اکرم خان و عبدالغفور خان رفیقش از دست فتح خان بارکزائی وزیر و سرلشکر اعلیحضرت شاه محمود بکر دار عمل ایشان کشته گشتند و اعلیحضرت شاه شجاع الملک در بلاد داشتهای خود

فوت: وقتی که عبدالله خان الکو زائی ملقب به مخلص الدوله بحکومت کشمیر قیام داشت در سال ۲۴ لک رویه عائد دیوان اعلی سلطنت میشد اما اکثر بمواجب عیال و ضابطه مجری کشته شش هفت لک رویه بخزانة شاهی میرسید و از نواحی ملتان که جایگیر مردم سدوزائی درانی بود در سال سه لک رویه عائد خزانة شاهی میگشت و دیرة غازی خان با مواجب مردم خدمتکار آن که از محصول آنجا مجری می بردند به هفت صد هزار رویه اجاره بود و دیرة اسمعیل خان بدو صد هزار رویه در اجاره عبدالرحیم خان هوتکی بود.

پشاور و مضافاتش تا سال ۱۲۱۲ الی سال ششم سلطنت زمان شاه به هفت لک رویه اجاره بود.

اعلیحضرت شاه زمان در سنه ۱۲۱۱ قمری که لاهور را مسخر گردانید احمد خان بارکزائی را بحکومت میان دو آب جیلیم و سندسر افرازی بخشود و در سال یک لک رویه از مالیات لاهور معین فرمود تا حاکم مذکور بحراست سرحد و ثغور پردازد یعنی از مالیات لاهور در سنه ۱۲۱۱ در سال پنجم سلطنت شهریار موصوف یک لک رویه تنها از دیوان اعلی شاهی برای مصارف محافظت سرحدات میان دو آب به جیلیم و سند تخصیص داده شده بود.

گویند که نظر به اعتبار همین شخص اهین الملک که بدر بار شاه تقرب جسته بود حافظ شیر محمد خان [۱] مختار الدوله از لحاظ اهمال خدمات گذشته خود بنای نفاق و حسادت گذاشت تا در نتیجه زد و خورد لشکر طرفین (شجاع و قیصر) مختار الدوله و بزا درش حاجی میر احمد خان در پشاور به قتل برسیدند.

نظام الملک در عهد سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع سدو زائی کل محمد خان بامیزائی فوفلزائی بن اشرف الوزراء شاه ولیخان بود که سجع مهرش به مشاهده نگارنده چنین پیوسته است :

ز فضل ایزد و الطاف احمد
نظام الملک شد گل محمد
توضیح: در سنه ۱۲۲۱ قمری در دوره سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع الملک چون مالیه چندین ساله محال سندا از سبب اغتشاش انقراض سلطنت زمان شاه و محمود شاه بکار گشتن دیوان اعلی سلطنت نرسیده بود بدون

نوت: يك تن از مستوفیان عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ابدال خان فوفلزائی بود که همد را نمصر به استیفاء ولایت هرات سرافرازی داشت و در هنگام لشکر کشی محمد ولی میرزا والی مشهد جانب هرات در یک واقعه خونین بتاریخ دوم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۲ قمری نظر (با آنکه مستوفیان افسران لشکر میبودند) بمعیت گداخان و محمود خان بشهادت رسیده اند.

وقتی که عطا محمد خان بن حافظ شیر محمد خان مختار الدوله از طرف اعلیحضرت شاه شجاع الملک بنائب الحکومتی کشمیر عوض عبدالله خان مخلص الدوله ارتقا یافت دیوان ندارم هندو که از میرزایان محاسب عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک بود بنام صاحب کار و سرپرست اموردیوانی حکومت وی بحیث مستوفی ولایت کشمیر بخدمت دولت افغان سرافراز گشت و تا زمانیکه عطا محمد خان بامیزائی همد را فجا قیام داشت ندارم (هندو) باستیفاء ولایت کشمیر می پرداختند.

آنکه حاجا کم ویا مستاجری مامور شود خود اعلیحضرت شاه شجاع الملک از قندهار راه سند بر گرفت. در منزل واقع شیر سرخ فرستاده گمان میران سند فیضیاب و کباب شاهی شدند عرض و التماس نمودند که اعلیحضرت فسخ عزم فرمایند و زمین سند را الگد کوب سپاه نمایند و مبلغ هشت صد هزار روپیه بدون زحمت سفر عائد خزانة دیوان اعلیٰ شمارند. اعلیحضرت شاه شجاع الملک نظر به کثرت مالیات سند که بر ذمت اهالی آنجا از چهار سال باقی مانده بود عرض و استدعای ایشان را نه پذیرفت و برایشان بغرض پیش بینی و تدارک پول رخصت معاودت فرمود. همچنان در سال اکوت نیز و کلای میران سند به شرف از کباب بوسی اعلیحضرت شاه شجاع الملک پیوستند و دوازده لک روپیه بر ذمه گرفتند که مشروط بر معاودت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ادا نمایند ایضاً عرض و استدعای ایشان را نه پذیرفت. چون اعلیحضرت شاه شجاع الملک بدین عزم وارد موضع [کنند آبه] و از آنجا وارد شکار پور شد در آنجا و کلای میران سند و خوانین تالپور با سادات کرام و علماء عظام و پیرزادگان ذی احترام قرآن مجید را بدست شفاعت گرفته در بارگاه سلطنت حاضر آمدند و عفو بقایای پول مالیات چهار ساله دیوان اعلیٰ را که بر ذمت ایشان از چند سال مانده بود استدعا نمودند اعلیحضرت شاه شجاع الملک پادشاه دیندار با احترام کلام حضرت ملک علام ده لک روپیه را بخشید و بیست لک روپیه را فرمود تا تحویل خزینه گردد و علاوه بر مبلغ فوق که حاصل و عائد دیوان اعلیٰ حکومت شد تحف و هدایای مرغوب دیگر از قبیل اسپان زین و یراق طلا و نقره و تفتکهای بست طلا و شمشیرهای قبضه

مرصع و غیره قماش های نفیس برسم پیشکش واصل و داخل دیوان اعلی کشت و باغدازه شش لك رویمه دیگمر تعارف منشیان و کار پر دازان حضور

فوت: از میرزایان با نام مصر اعلی حضرت شاه شجاع الملك یکنفر میرزا امام و یردی خان بود که در ضمن وقایع حکومت مؤقت شاهزاده فتح جنگ و شاهزاده شاه پور نام او در ماخذ قید است ولی میرزا امام و یردی اغلب گمان میرود که پسر میرزا الله و یردی خان (معاصر احمد شاه کبیر) باشد چنانچه در کتیبه زیارت سید اسحق ختلافی (مشهور به شاه شهید) علیه الرحمه نام او با با فوت خان خواجه سرا فقر شده است مثلاً در يك مصرع گوید (چو سرکاری نمود الله و یردی) و در فرقه کوه دامن قلعه ای بنام الله و یردی خان مشهور است که بر فراز يك تپه بلند از گل سفید کون اعمار شده است.

با کتب فرقه گویند و قتیکه اعلی حضرت سراج المله و الدین امیر حبیب الله خان شهید بسیر و تفریح کوه دامن و خصوصاً برای تماشای آبشار فرقه درین دیار تشریف آورده بودند از زیبایی محیط قلعه که جای خیلی خوش آب و هوا بود حیرت کردند و سپس سؤال فرمودند که این گل سفید کون و محکم از خود این تپه خواهد بود و یا از جای دیگری نقل داده شده است به تصدیق يك نفر معمر به صحت پیوست که از گل همین تپه تخمیر و تعمیر شده است.

در مقابل تشریحات اسم الله و یردی گفتند نویسندای از مردم فارسی بود و در عهد تیمور شاه سدوزائی به تعمیر قلعه پرداخته است ولی سلاله از او در کوه دامن وجود ندارد بنده معلومات مختصری را که درباره هر دو نویسنده از زبان مولوی مسکین صاحب مقیم و مقتدای اهالی فرقه کوه دامن نگاشته ام دلات بران دارد که امام و یردی اغلب پسر الله و یردی و صاحب آن قلعه باشد اعلی حضرت شاه شجاع الملك در يك عبارت مجمل و مختصر خود گوید میرزا امام و یردی معتمد امیر دوست محمد خان و با او در بخارا نیز رفته و در قید امیر بخارا بود و از آنجا بصلاح و صواب دید امیر موصوف خود را دیوانه قرار داده بواسطه دیوانگی از گرفتاری پادشاه بخارا خلاصی یافت و بقرض جاسوسی و مایل گردانیدن اعیان کابل را جانب امیر دوست محمد خان وارد کابل شده.



شاه افغان که سندیان تقدیم کردند در شمار آمد و مردم سند نیز از لطف شاه درائی بخلاع فاخره سر افراز گردیدند و همچنان فرستادگان راجیکان مرهته نیز با عرائض عجز مشرف شدند و سه زنجیر پیل و اسپان عربی با زین و یراق طلا و نقره و عقدہ های مروارید و توپهای کمخواب و بادله و یکتاره زری و قطیفه کهنی [که مردم هند او را دو تپه مینامند] با غیره اجناس ابریشمین شرفیاب حضور شدند و بعد از تقدیم تحف قیمت دارو عرض عجز و انکسار رخصت مراجعت به وطن خود حاصل کردند.

اعلیحضرت شاه شجاع الملک وقتی که از شکار پور راه دیرجات برگرفت وارد (کوت) و ملتهن شد در آنجا بهاول خان عباسی نیز یک زنجیر پیل و چند رأس اسب با سامان طلا و نقره و مبلغ کثیری از زروسیم و چند اشتر و غیره اجناس زرین و ابریشمین قیمتمدار بطور هدایای مستمره مقرر به حضور شاه فرستاد و فرستادگان بهاول خان عباسی رخصت معاودت حاصل کردند:

مقصد از نگارش فوق چنان است که در تاریخ امور مالی واداری افغانستان چنین موقیقات محض بدیوان اعلی مملکت قرار میگردد چنانچه اعلیحضرت شاه شجاع الملک در یادداشتهای خصوصی خویش به عین همین تفصیل قلم فرسائی کرده اند و از نگارش ایشان معلوم میگردد که سرپرستی امور دیوان اعلی را در آن مواقع خود بر ذمت داشتند و گویند در سنه ۱۲۲۳ قمری در دوره سلطنت ثاقوی اعلیحضرت شاه محمود وقتی برای استرداد تخت و سلطنت از دست شاه محمود میکوشیدم در حال



اعلیٰ حضرت شاہ شجاع الاماںک درانی سدوزائی- شاہی کہ دراستحصال
یوا، مالیات از کشورہند بدیوان اعلیٰ مملکت درآوان سلطنت خویش
کہت مزید بہر رسا نیدہ است و رسالہ دیوان اعلیٰ کہ در آواز مینہ مخصوص
تاریخ وزارت مالیہ سخن میرا نند خدمات شاہ موصوف را آنچہ درین راہ
انجام دادہ است بنظر قدر می نگرد.
(متملق مضمون صفحہ ۲۴ رسالہ دیوان اعلیٰ)

هزیمت از پشاور کوچیده راه شکا پور بر گرفتیم و در ضمن وقائع متعلق
 بنا میران سند طرح معاهده را یختم - آنگاه میر کر معلی خان
 و میر مراد علی خان فاهان پسران میر مراد علی خان که از بزرگترین
 شخصیت های آن سرزمین بودند میران مذکور از بابت مالیات سند علاوه
 بر طلا و نقره مسکوک که بسیار و اقشمة نفیسه ابریشمین و زرین ساعت
 و دوربین و ظروف بلورین و امتعه قیمت دار چینی و اسلحه و آلات مرصع
 و مصاحف و وظائف مذهبه و دوزنجیر پیل و خیمه ها و فرشهای قیمتی
 و دو عراده توپ جلوی بحضور رم تقدیم کردند پنجاه دانه اشرفی و بیست
 هزار روبیة نقد نیز از حضور گذرا فیده و بخزانه سپردند و قرار دادند
 هر وقت زمام سلطنت افغانستان بدست شهزاده شجاع الملك قرار گیرد
 مالیات محالات سند و شکار پور را ادا مینمائیم و همچنین در اوقات
 تشریف آوری زوجات محترمات دودمان نجیب شاهی هر گونه پیشکش
 را ازین قرار که سزاوار شوکت فاهیل جلیل سلطنتی باشد به تقدیم خواهیم
 رسانید .

شاه شجاع الملك در عصر سلطنت و غیر سلطنت خود از ینگونه افتخارات
 قلمی و اداری بیشتر دارد ولی هیچ سفسطه ای نمی تواند که ازین تبرئه
 در گذرد و خدمات او را لباس دیگری بپوشاند زیرا اصل کیفیات اگر
 بنظر حقیقت مجسم شود میتواند از بعضی شهرتهای تهمت آمیزش چشم
 بپوشد .

عصر سلطنت محمود شاه

سد وزائی

چون عصر سلطنت اعلیحضرت شاه محمود سد وزائی در دفعه اول و ثانی و سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک از پر آشوب ترین ازمنه تاریخی این مملکت بود لهذا تشکیلات سلطنتی آنها بصورت مکمل مثل سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر و اعلیحضرت تیمور شاه باهم مقایسه نمیشوند و خصوصاً در عصر سلطنت اعلیحضرت شاه محمود که چهل و دو واقعه بزرگی رخ داد در تشکیل سلطنت او صدمات بزرگی بوقوع پیوست که در امور محاسبات و دفتر داری احدی را نفس راحت کشیدن نگذاشت لهذا طرز دفتر داری و تشکیل عصر شاه محمود سبب زائی قدری ضعیف تر از ادوار قبل و بعد او بشمار میرود ولی کسانی که از نویسندگان و معاصرین او بودند در عصر سلطنت زما نشاء و شاه شجاع الملک از هر يك نام بردیم (۱)

(۱) در سنه ۱۲۱۹ در سال چهارم سلطنت اول اعلیحضرت شاه محمود برای یکمرتبه وزیر فتح خان بارکزائی جهت وصول مالیات دیوانی مامور هزاره و بامیان گردیده بود و قبل از آنکه پول مالیات را جمع و بدیوان اعلی مملکت بسپارد سلطنت اعلیحضرت شاه محمود سد وزائی منقرض گشت و وزیر فتح خان پیش از آنکه پول مالیات را جمع کند عندالموقع لشکر زیاد از مردم بامیان و هزاره گرد آورد و در منزل میدان با لشکر شهزاده شجاع الملک بمقابله پرداخت .

بار دوم سلطنت اعلیٰ حضرت

شاہ شجاع الملک

در عصر سلطنت ثانی اعلیٰ حضرت شاہ شجاع الملک شخص دیگری بنام ملا عبدالشکور باین عہدہ برگزیدہ شدہ بود و ہمدرین عصر محمد عثمان خان بن رحمت اللہ خان وزیر قوم کامران خیل سدوزائی فوفلزائی مامور ثالثات (یعنی سہ کوتی) خالصہ جات بود کہ اخیراً در اثر پیشنہاد مکناتن والکساندر برنس انڈلیس بلقب نظام الدولہ ارتقا یافت و وظیفہ ملا عبدالشکور خان وزیر را عندالاقضاء بدو سپردند (۱) وای در حال انقراض سلطنت اعلیٰ حضرت موصوف یعنی دو ماہ قبل از شہادت آن شہریار شہید شخص دیگری در رأس دیوان اعلیٰ مملکت باہمان اقتدار کامل یعنی باستیفاء کل ممالک محروسہ وقضا و جزاء تعیین گردید کہ شخص مذکور نواب شجاعت علی خان نوادہ نواب نجیب الدولہ ہندی بود و گویند کہ نواب شجاعت علی خان مذکور مشروط بہ معاونت سلطنت شاہ شجاع الملک رتبہ دیوان بیگی حاصل کرد و دران وقتیکہ کشاکش دست استعمار در خاک افغانستان از ہر طرف دراز شدہ بود اعلیٰ حضرت شاہ شجاع الملک

(۱) ثالثات یکی از وظائف دیوان اعلیٰ بود کہ بامور ثالثات در دفتر خالصہ آمر و مختار کار آن شمرده میشد۔ اما ملا عبدالشکور خان شخصی بود کہ سی سال پیہم مختار کار اعلیٰ حضرت شاہ شجاع الملک بود ولی در اثر ایماء معنیدین از کار برطرف شد و با آنکہ اعلیٰ حضرت شاہ شجاع الملک اورا بدل خلی دوست میداشت اما نظر بمجبوری تہای گو ناگون نتوانست کہ اورا حمایت کند و لا بد وظیفہ و صلاحیت اورا بہ نظام الدولہ سپرد۔

چاره جز آن نداشت که آن رتبه جلیله را از شخص با تعهد معاوضت و پشتیبانی در امور سلطنتش دریغ کند چون خاندان نواب نجیب الدوله [۱] در خاک هند شهرت بسزا و اقتدار زیاد داشتند در میثاق سری نواب شجاعت علی خان اعلی حضرت شاه شجاع الملک رتبه دیوان بیگی را با اقتدار کامل مثل اعلی حضرت احمد شاه کبیر بدو سپرد ولی نواب شجاعت علی خان وقتی باخذ این مقام نائل شد که دو ماه بعد اعلی حضرت

شاه شجاع الملک در کمال بهشهادت رسید و دیوان بیگی مذکور به معیت شهزادگان رهسپار هند شد نواب نجیب الدوله بقرار نبشته مؤرخان هندی از بزرگترین شخصیت های آن سرزمین بود زیرا وقتی که اعلی حضرت احمد شاه کبیر بر روز جمعه هفتم ماه جمادی الاول ۱۱۷۰ قمری در دهلی برسید دختر عزیزالدین بن اعلی حضرت محمد شاه عالم گیر ثانی مغلی را برای شهزاده تیمور فرزند ارشد خویش بگرفت در آن وقت زمام حکومت دهلی را از سبب خویشی به عزیزالدین موصوف سپرد و نجیب الدوله را لقب امارت بخشید شهبه ای نیست که نواب نجیب الدوله

(۱) شخص نواب نجیب الدوله را که مؤرخان هند بلفظ هندی نسبت داده اند سبب آنکه حیات و اوقات او در خاک های هند بسر شده بود و از آن جهت بنام هندی شهرت او بیشتر است و نگارنده بدخاطی که در آنوقت کشور هند در تصرف امپراطوری افغان بود نسبت هندی را درباره نجیب الدوله مانند قندهاری - کابل - هروی - بلخی و امثال آن میدانم یعنی شخص نجیب الدوله اصلاً از مردم افغان و بقول یوسفزائی بود و اعلی حضرت احمد شاه درانی کسانی را در کشور هند برتب و القاب اعزازی از حضور خود سرافراز گردانید که داشتن اصالت افغانی رجال آن سرزمین شرط اول نظریات شهبه موصوف بود .

از مقتدر ترین شخصیت های هند بود و تا میرده الی ۱۱۸۴ قمری که سال فوت اوست باین لقب ملقب و ممتاز بود و شاعری و تاریخ و فاضل و موضوع فرا چنین انشاد کرده است:

زمین را شیوه شیون بها شد فلک را گریه دندان نماند
بدان قدوسیان دادند این رهز نجیب الدوله واصل با خدا شد

۱۱۸۴ ق

بعبارت دیگر نکته سنجان معاصرش تاریخ وفات او را بحساب جمل [ناظم ملک بقا] نیز دریا فته اند.

غرض اینجاست که اعلیحضرت شاه شجاع الملک قریب اقرض سلطنت خویش فواید شجاعت علی را باعتبار اجدادش که در کشور هند صاحب رسوخ کامل و نقاره بنام ایشان میخواستند و از عهد سلاطین مغل تا وقت

نوت: یکی از مستوفیان عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ابدال خان فوغلزائی بود که همدر انحصار به استیفاء ولایت هرات سرافرازی داشت و در هنگام لشکر کشی محمد ولی میرزا والی خراسان جانب هرات در یک واقعه خونینی که در آن دیار بوقوع پیوست بتاریخ دوم شهر ربیع الثانی در سنه ۱۲۲۲ قمری به معیت گنداخان و محمود خان بشهادت رسید.

شخصی دیگری از نویسندگان معاصر اعلیحضرت شاه شجاع الملک میرزا عبدالحسین بود که در آوان سلطنت اول شاه موصوف بخزانة داری جوهر و نقد و جنس آنوقت سرافرازی داشت و در یک جنگی که در عرض راه جلال آباد و پشاور بین لشکر شاه شجاع و وزیر فتح خان بوقوع پیوست در موقعی که محمد اکرم خان امین الملک و عبدالغفور خان فوغلزائی سرداران لشکر شاه شجاع کشته گشتند ابوالحسن خان خزانة دار و ملاجعفر که در آن حال با حرم محترم شاهی در قلعه اتک اقامت داشتند و جوه نقد و جوهر ثمنه نفیسه را از راه خیانت برداشته و بانوان حرم عفت توأم شاهی را گذاشته در لاهور نزد در نجیب سنگ که دست نشاندۀ اعلیحضرت شاه زمان بود رفتند.

شاه شجاع سلسلهٔ اجداد او به عزت و منزلت در گذشته بودند منصب دیوان بیگی را مشروط بمعاونت او اعطا نمود ولی از آنکه دو ماه در کابل مقام دیوان بیگی (وزیر الممالک افغانستان) حاصل کرده بود مثل میر هزار خان الیکوزائی شهرت او بسیار کم است مگر این سو هین شخصی است که در کتب تواریخ وطن به منصب دیوان بیگی وزیر مالیه و سر کرده دارالقضاة در آن وقت شناخته میشود و قبل از آن نواب محمد عثمان خان نظام الدوله و پیشتر از آن ملا عبدالشکور خان وزیر مرتبه استیفاء دیوان اعلى با مقام وزارت مالیه بطوری که ذکر شد از آن وی بود.

دربارهٔ تثبیت مقام وزارت مالیه در آن اعصار سرجان مالکم مؤرخ انگلیس مکرر در مورد امور مالیات مملکت ایران در عصر حکومت آقا محمد خان قاجار معاصر سلطنت اعلیحضرت شاه زمان شرح میدهد که حاجی ابراهیم در عهد حکومت آقا محمد قاجار در جمیع امور ملکیه مداخلت میکرد. و همه کارهای معظم دولت باستحضار وی میگذشت بعض اوقات وزیر دیگری نیز معین بود که امور محاسبات مالیه را بدو محول میکرد چنانچه درین اوقات میرزا شفیع صدراعظم است [۱] و حاجی محمد حسن

[۱] حاجی فیروزالدین بن اعلیحضرت تیمور شاه درانی در آوان سلطنت برادرش اعلیحضرت شاه محمود عبدالرشید خان درانی را که از وابستگان او بود از حکومت هرات برسم رسالت از فتحعلی شاه قاجار حکمران ایران فرستاد حین وصول عبدالرشید خان درانی در ماه ذیقعدهٔ سنه ۱۲۳۰ قمری در طهران فتحعلی شاه قاجار باستقبال و احترام نمایندهٔ شهزادهٔ نامدار افغان سرای نشین همین شخص میرزا شفیع صدراعظم را که عمارت هالیشانی بود برای اقامت عبدالرشید خان موصوف معین کرده بود.

مباشر مالیه است و میگویند پیش ازین صاحب این منصب را در ایران امین الدوله میخواندند و حال حاجی محمدحسین را نظام الدوله لقب داده اند بغیر از وزراء بزرگ مستوفیان و منشیان نیز هستند که به معاونت ایشان کارهای بسیار میگذرد و دفاتر جمع و خرج ممالک محول بسایان است منزلیکه مستوفیان در آن جمع میشوند دفترخانه گیرند [صفحه ۱۵۳ باب ۲۳ تاریخ سر جان مالک]

در مملکت عزیز ما افغانستان نیز در اعصار گذشته مستوفی الممالک و وزیر از هم فرق نداشتند و بالقب نظام الملك امین الملك و کیل الرعا یا سر منشی های دیگر بنام دبیر الملك و منشی باشی و منشی و سرد بیر و لشکر نویس با آنها همکار و موظف امور مالیات و جمع و خرج مملکت بودند. غرض نگارنده از نگاشتن احوالات ایران اینجاست که زیبایی تشکیلات اداری حکومت افغانستان با ممالک همجوار یعنی ایران و هند در آن اوقات تفاوتی از هم نداشته اند یعنی هر لقب و عنوانی که در تشکیل حکومت ایران و غیره وجود داشت خواه منخواه در تشکیل حکومت افغانی عنوان بالمثل و به تغییر عبارت وجود داشته است و مقصد دیگر آنکه مستوفی و منشی های آن اعصار زود عهده وزیر و یا صدر اعظم را اشغال میکردند که مباشر و یا متصدی امور مالیه [بمنزله مستوفی الممالک] در آن اوقات از عهده صدر اعظم و یا وزیر اول فرقی نداشتند.

عصر سلطنت اعلیحضرت

امیر دوست محمد خان

کسانیکه از آغاز سلطنت امیر کبیر اعلیحضرت دوست محمد خان
مؤسس سلاله محمد زائی از سنه ۱۲۵۹ قمری مطابق ۱۸۴۳ عیسوی باینطرف
در رأس این مقام برسمیت شناخته شده اند اول میرزا عبدالسمیع خان
بود که مقام وزارت داشت چنانچه در متن يك معروضه شخصی که
نصر الله خان ولد نائب امین الله خان لوگری بمنوایان سردار سلطان محمد خان
محمد زائی جهة اخذ مناش خود نوشته و متن معروضه آن در صفحه ۱۴۷

نوت: در وقتیکه امیر محمد افضل خان مرحوم از طرف اعلیحضرت امیر دوست محمد خان
والد بزرگوارش بنائب الحکومتی بلخ فرار داشت میرزا احد خان کشمیری (و آن
شخصیکه در زمره نویسندگان عصر سلطنت امیر شیر علی خان ازان نام گرفته ایم)
مستوفی وی بود و شخص دیگریکه منشی خاص و مقصدی امور حکومتش بود سردار محمد
عمر خان فوفلزائی جد نگارنده بودند و قتیکه سردار محمد افضل خان شهر تخته پل
را اساسی گذاشت و تهداب نهاد محمد عمر خان مرحوم را حاکم آنجا مقرر ساخت
چون خاطر حاکم موصوف از وضع آب و هوای آنجا ملال آورد قصیده شکایت آمیزی
سرود بکزان جمله يك بیت اینست:

از هجوم پشه و ضیق معیشت اندران - تخته پل شهر بست کو در کار باشد نیست نیست
سردار محمد عمر خان (عمر) چون از مقر بان خاص و از شعراء و نویسندگان معاصرش
بود در وقت سلطنتش او را بر تبه مباشر مالیات و بعده بحکومت (کرم) که نام علاقه ایست
سرافرازش گردانید سجع مهرش اینک:

یافته از آتش دوزخ گذر از شرف نام محمد عمر

سوانح مکمل مرحوم در شماره های ۴-۵ سال ۱۱ مجله آریانا با استادنطی سلاطین
محمد زائی که گراف شده است ملاحظه شود.



میرزا عبدالسمیع خان وزیر مشهور و معاصر اعلیحضرت دوست محمد خان در دوره سلطنت اول و ثانی ایشان زما مدار بزرگ استیفاً ممالک در عصر شهریار مبرور که بعضاً بعنوان وزیر و اغلب بنام مستوفی عهده مستوفی الممالک (یا وزیر مالیه) را بر ذمت خویش داشت و در عهد اعلیحضرت شاه شجاع الملک از منشی های با کفایت آن عصر بود .

(متملق صفحه ۳۲ رساله دیوان اعلی)

کتاب درز و ایاتی تاریخ معاصر افغانستان اثر کهنزاد مسطور است نامبرده میرزا عبدالسمیع خان مستوفی را بعنوان عالیحضرت یاد میکند و هکذا در صفحه دیگر در ضمن وقائع عهد شاه شجاع الملک و امیر دوست محمد خان میرزا عبدالسمیع خان بلفظ صدر اعظم نیز یاد شده است و ابن شواهد میگرداند که مقام رسمی و نفوذ مستوفی الممالک های اسبق افغانستان را بر طبق نوشته ما تأیید میکند .

میرزا عبدالسمیع خان در سفر امیر میر علی حضرت دوست محمد خان بصوب هند [در مقابل بله بارنجیت سنگ سردار معمر سکهان] همراه و مشاور سیاسی امیر دوست محمد خان بود و امیر مبرور بقر تیهات عسکری خود در اوقات جنگ طبق پلانیهای میرزا عبدالسمیع خان رفتار میکرد و میرزای موصوف علاوه بر صفت نویسندگی مرد حربی و سیاسی نیز بود . از صفات او اینکه : در موقع جلوس اول علیحضرت امیر دوست محمد خان در ۱۲۵۴ قمری بحث های طویلی راجع بیافتن يك نبشته مناسب برای فص خاتم امیر و مسکو کاتی که ضرب میشد مجلسی از طرف دبیران دانشمند دائر شد تا بالاخر میرزا عبدالسمیع خان اتفاقاً کامیاب گردید و مضمونی دریافت که برگفته های دگران امتیاز داشت .

فص خاتم امیر دوست محمد خان مرحوم در عصر سلطنت اولش بوصف موقع جهاد که در حال حرکت بودند چنین نقر شد :

امیر دوست محمد بعزم جنگ جهاد کمر بست و بز دسکه ناصرش حق باد

در عصر سلطنت دومش در اوایل سال ۱۲۵۹ قمری چنین اتفاق افتاد :

بزدل فضل و عنایات خالق اکبر امیر دوست محمد دوباره سکه بزر
میرزا عبدالسمیع خان نظر بدرایت و سیاست مداری خویش اگر بمنزلت
استیفاء ممالک و یا وزارت رسیده بود از روی خدمات حربی - سیاسی
و اداری اش چنانچه در وقایع عهد سلطنت امیر کبیر اعلیحضرت
دوست محمد خان مسطور است ذیحق بود [۱]

در عصر سلطنت اول و دوم امیر دوست محمد خان شخص دیگری که عنوان
مستوفی داشت میرزا سید حسین خان بن میرزا سید حسن خان بود که در ضمن
وقایع حکومت مؤقت شهزاده فتح جنگ بن اعلیحضرت شاه شجاع
الملک بنام آقا حسین آزان نام گرفته اند و شخصی دیگری میرزا محمد حسن
ولد میرزا عسکر [سواى میرزا محمد حسن مهربان و اعلیحضرت شاه شجاع]
بود که در وقت امیر کبیر در جمله کار گذاران دولت سرافراز بود .

میرزا عبد السمیع خان مستوفی یکبار در سنه ۱۲۶۵ قمری بمعیت
سردار محمد اکرم خان جهت تسخیر ترکستان نیز فرستاده شده بود
و در ماخذ تاریخ همه جا اسم او بلفظ وزیر یاد شده است و شخص دیگری
بنام میرزا عبد الرزاق خان بیشتر بعنوان مستوفی شهرت داشت و در
عصر سلطنت ثانی اعلیحضرت شاه شجاع الملک نیز از جمله مستوفیان آن عصر
محسوب میشد یعنی از عهد سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک تا اینوقت
لقب استیفاء او واضح است - شخص دیگری میرزا عبد المجید خان بود
و آن هم لقب استیفاء داشت و میرزای دیگری محمد رضا نام داشت که
در دائره استیفاء ممالک محروسه از جمله نویسنده گان زیر دست میرزا

(۱) ادوارد لابسس پیرس مؤلف، کتاب عروج بارکزائی در باره میرزا عبدالسمیع خان معلومات
فصل میدهد ولی از روی زیادت اغلاط و اشتباهی که در اثر او موجود است قابل اقتباس نیست .

جمال دولت پاینده قسمت از لیست وصی دوست محمد امیر شیر علیست



۱. علیحضرت غفران مآب امیر شیرعلی خان - پادشاهی که در انتظام امور دفتر و دیوان و ترقی عسکرو عمرانات و پیشرفت صنایع در وطن علاقه خاصی داشت - و در سنه ۱۲۸۶ قمری هنگامی که به انباله تشریف می بردند این فوتو گرفته شده است - خودش در وسط بر کرسی نشسته و شهزاد عبدالله جان ولیعهد پسر هفت ساله اش در آغوش او بپای ایستاده و چند نفر امنای دولت آن عصر درین فوتو (که اسما دایشان دریاورقی صفحه ۳۴ رساله دیوان اعلی نگارش یافته است) بصورت مجموعی دیده میشوند و اشخاص موصوف کسانی بودند که در امور ملکی و عسکری عصر شهریار موصوف خدمات قابل قدری را انجام داده اند؛ علیست شیر خید و امیر شیر علی کسی که نائب شیران بود چو شیردل است

عبدالمحمید خان وزیر محسوب میشد و دیوان میتها و دیوان بیربل و دیوان دایه رام و دیوان دیتی رام چهار نفر از اهل هنود متوطن کابل
اعضاء دیوان استیفاء ممالک آن عصر بودند و دیگر از نویسندگان معتبر
عصر امیر کمبیر میرزا سید حسین خان بود که در وقایع سال ۱۲۷۹ قمری
در جمله ۲ کابر دربار از مقام برده شده است اما معلومات بیشتری را که
در اطراف شخصیتش و آخذ تاریخ معرفی کنند بصورت مفصل بمشاهده مؤلف
نه پیوسته است ولی در سفر اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم بطرف انباله (۱)

(۱) : در سنه ۱۲۸۶ قمری که اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم در انباله تشریف
می بردند در آن سفر شهنشاه عبداللہ جان ولیعهد (که قدم بمرحله هفت سالگی گذاشته بود) و سید
نور محمد شاه صدر اعظم و ایشیک افاسی شیردل خان و میرزا محمد حسین خان دبیر و سردار
نصر اللہ خان سرعسکر و خوشدل خان بن ایشیک افاسی شیردل خان و ناظر حسین علی خان پنجشیری
و صفدر علی خان برادرش باشش هزار نفر سوار و پیاده با اعلیحضرت امیر شیرعلی خان همراه
و همسفر انباله بودند پس از معاودت سفر انباله ناظر حسین علی خان که از طرف پدر
پنجشیری و از طرف مادر از مردم سیاه منصور چند اول بود گویند خادم اخلاص کیش
و نمک خو ار صداقت شعار اعلیحضرت امیر شیرعلی خان بود چنانچه ناظر حسین علی خان
از حضور اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم برای احداث شهر جدید موسوم به شیر پور
بسمت شمال شهر کابل که بدور پشته بی بی مهر و بنا نهاده شده بود مهتم آنکار مقرر
گردید و چند تن از افسران نظامی و بزرگان ملکیتی را برای تهیه اسباب تعمیر بزرگ
دست ناظر مذکور گماشت و تمام افراد سپاه را بزرگ دست معماران و نجاران و غیره
مامور نمود و در ماه پنج روپیہ اضافہ از معاش مقرره ماهوار افراد سپاه (که هفت روپیہ
کابلی بود) اجرت قرار داد والی پنج سال هزاران معمار و نجار و گنکار و آهنگر
و مردم اجرت کار سواى افراد لشکر دیوار سمت جنوب شهر و نصف از ضلع مغربی
و قدری از ضلع مشرقی را بر افراختند و موازی پنجاه قلبه زمین که مساوی از دوهزار
جریب باشد برای عمارات سکنة شهر تعیین گردید و تپه شیر پور محل عمارات پادشاهی
قرار داده شد و دیوار سطبری که توپ و فوج بر فراز آن گردش کند با بروج متعدد
و دروب متوسع امر افراشتن صادر کرد و در طرف اندورن دیوار حصار بفاصله گردش
فرج و توپخانه دیوار جدا گانه و جای اقامت افواج را معین فرمود و آن یکی از کار

نیز در جمله اعظام د ربار آنوقت بهمر کابی امیرمو صوف از میرزا محمد حسین خان مذکور نام بر ده شده و درین رسال قید است :

بعد از آنها میرزا محمد محسن خان ملقب به دبیر الملک بود و آنهم با معاونت با امور محاسبات مملکت در رأس عدّه منشی ها حیثیت سر منشی حضور را در آنروز داشت که گاهی با امور محاسبات دولت و اداره انشاء بمنزله مستوفی الملک و اغلب وقت وظیفه دار دفتر انشاء حضور یعنی دارالتحریر شاهی آنوقت بود .

میرزا محمد محسن خان دبیر الملک با وصفی که نویسنده با کفایت و به لقب دبیر الملک (۱) سرافراز بود طبع شیر هم داشت (۲) و تاریخ وفات امیر کبیر

بقیه پاورقی صفحه ۳۴

روائیهای بزرگ عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم است که تا حال بنام شیر پور یاد میشود و نگارنده بغرض ایضاح و اعلام یک خاطره بزرگ تاریخی و معرفی چند نفر اکابر دربار اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم درین رساله پرداختم .

(۱) لقب دبیر الملک را در تاریخ کشور ایران بعضاً بنام منشی الملک یاد کرده اند مثلاً میرزا مهدی استرآبادی انشاء پرداز معروف و معاصر نادر شاه افشار را که بنوشتن تاریخ چهار نیکشای نادری و دره فادره متعلق حیات نا در افشار از طرف شاه مذکور مکلف و به لقب ذکی ملقب شده بود نام او را در چند آخذ مکرر با صفت منشی الملک ملاحظه کردیم ازین لقب معلوم شد که سر منشی های زبده حضور سلاطین ملوک همجوار در ادوار ماقبل بنام منشی الملک نیز یاد شده اند و لقب منشی باشی عصر سلاطین سدوزائی و دبیر الملک عصر سلاطین محمد زائی افغانستان معنای باهم مطابقت کلی دارند .

(۲) فص خاتم اعلیحضرت امیر شیر علی خان نیز به دبیر الملک میرزا محسن خان منسوب است ولی این حقیقت واضح نیست مگر اغلب گمان میرود که اثر آن باشد فص خاتم امیر شیر علی خان مرحوم که در سر فرمان ها مهر میکرد اینکته :

جمال دولت یافته قسمت ازلیست و صی دوست محمد امیر شیر علیست

اعلیٰ حضرت دوست محمد خان که در ذیل گفتار پر داخته میشود زاده طبع
اوست که بدون اغراق شاعرانه افشاد کرده است :

مهری به برج سلطنت ای دوستان گرفت

کز حسرت فروغ جمالش جهان گرفت

شمعی خموش گشت که دود مصیبتش

شد آتش غم و به همه دودمان گرفت

شد خسر وی ز دهر که دائم بما تمش

بیر و جو آن فرقه افغان فغان گرفت

یعنی امیر دوست محمد که تیغ او

خورشیدسان گران جهان تا گران گرفت

از بس که مهر بان به عزیزان و خویش بود

نتوان به خامه معنی و تفسیر آن گرفت

ره آنچنان گرفت بخورد و بزرگ خویش

کش يك بزرگ خورده به کاری توان گرفت

هر کز بهر خویش ز کس دلگرا نشد

با آنکه هر که هر چه بروسر گران گفت

در عهد او بمهر امانت غنود خلق

ز انسان که از زمانه زمین صدضمان گرفت

ره را چنان ز رهزن ناپاک بساخت

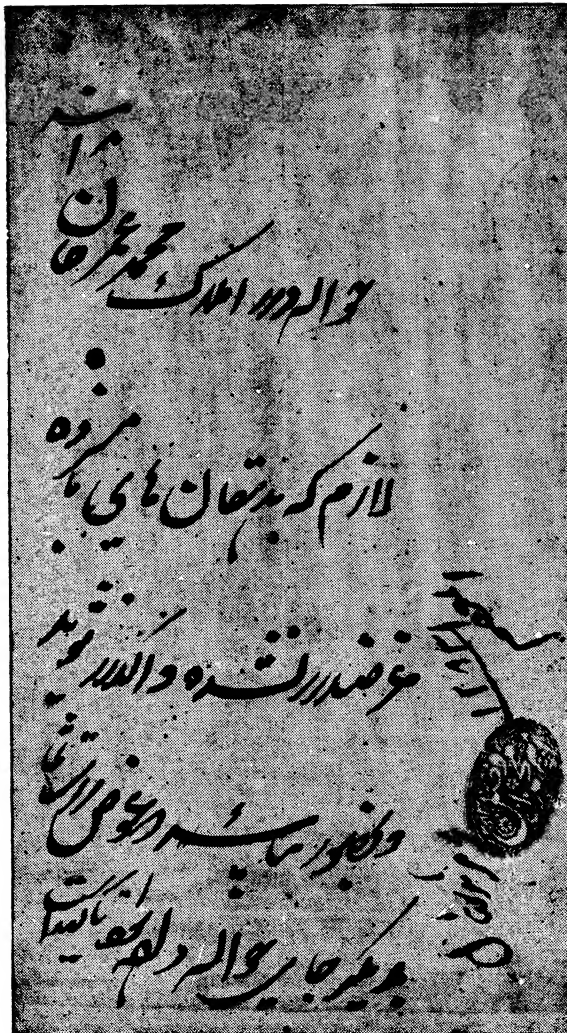
کز دزد مزد بدرقه کاروان گرفت

تسخیر کرد خلق جهان را به حسن خلق
 آری بحسن خلق جهان میتوان گرفت
 قاپای او نهاد قدم بر سر بر سر حکم
 دستش کیلاه سری از سروران گرفت
 نگر فت کس بد هر عنان عزیمتش
 غیر از اجل که آخر عمرش عنان گرفت
 حکم آنچنان نمود که کملک فراستش
 انگشت بر عدالت پوشید و آن گرفت
 کهسان و قارباو بهری لنگر او فکند
 از جنب ملک میمنه تا کو هسان گرفت
 بنمود فتح شهر هرات و بداد جان
 مردانه وار شهر هری را بجان گرفت
 محسن سوال کرد ز پیر خرد که آه
 تاریخ فوت این شه غازی چسان گرفت
 حوری سراز جنان بدر آورد در جواب
 گفت از [امیر جاهد غازی] توان گرفت

سه نفریکه در تحت اثر میرزا محمد محسن خان دبیر الملك بنام میرزا
 و منشی بیشتر از دگر همقطاران شهرت داشتند اول میرزا احمد خان

نوت : چون عدد امیر جاهد غازی بحساب جمل ۱۲۸۲ میشود وعدد جیم که سه است
 از سر جنان بدر آورده شود ۱۲۷۹ باقی میماند که سال فوت شهریار موصوف است.

در عصر سلطنت اعلیحضرت
 میر محمد افضل خان مرحوم
 بعضی امور وزارت مالیه که
 هجرت از امر معافی مالیات
 و برقراری معاشات اعضاء
 در بار آفتوق میبود شخص
 پادشاه با حکام متعلق
 می پرداخت چنانچه این یک
 پارچه خط دیوانی که به
 مهر اعلیحضرت موصوف
 مهور است و در مقابل صفحه
 زنگوگراف شده است
 ثابت میکند که از حضور
 اعلیحضرت ممدوح بعنوان
 حواله دار املاک محمد عمر
 خان فوفلرائی (جد نگارنده
 که از اعضاء دربار شهریار
 موصوف بود) نگاشته شده
 است حواله دار املاک شخصی
 میبود که معاش سالانه خود را
 بحاصل امرنامه دیوان اعلی
 از نزد زمین داران حاصل
 میکرد و زمین داری که خود
 رسمیت میداشت و یا مالیات
 اراضی او معاف و مرفوع



القلم میبود معرفی خط مامورین دولت بر حسب امر پادشاه و یا متصدی بزرگ دفاتر
 حکومت عصر بعنوان شخص دیگری از زمین داران ارقام می یافت و این از شواهد اقتدار
 مقام وزارت مالیه در اعصار گذشته بود که شخص پادشاه نیز پیاره امور دیوانی
 و حسابی مملکت و ارسای میکرد. (متعلق صفحه ۳۸ رساله دیوان اعلی)

ود گری میرزا احد خان و د گری میرزا سیف الدین خان منشی [۱]
 ود گری منشی اما مالدین خان و د گری میرزا محمد رضا خان بود
 که از عهد امیر کمبیر تا این وقت در جمله نویسندگان آن عصر شهرت داشتند:

نوت: در سال ۱۲۷۸ قمری حین مراجعت اعلیحضرت امیردوست محمد خان از جلال آباد بکابل
 وقتی سردار محمد حسین را بهزاره جات که قبول جایگیر سردار محمداسلم خان برادرش
 بود مامور فرمود میرزا عبدالعزیز خان نواده میرزا عبدالغفار خان را که در دولت
 نادرشاه افشار منصب استغیاء دیوان اعلی داشت بصفت منشی او مقرر ساخت و اموردیوانی
 آنجا را نیز بر عهده وی گذاشت و امر کرد معزی الیه با لشکر در موضع لعل که قریب مضافات
 هرات است رفته توقف ورزد تا اگر در هرات کار شود رهسپار آن دیار گردد.

(ص ۲۴۱ سراج التواریخ)

مفصل این مجمل آنکه پس از قتل نادرشاه افشار ترکمان در ۱۱۶۰ قمری نظر
 باختلال و نفاقی که بین مردم ایران رونما شد یک عده نویسندگان مردم فارسی آنجا
 در اوقاتی که اعلیحضرت احمد شاه درانی براریکه جها نبانی متمکن بود و حسن نیت
 و عدالت او در همه دیار اشتها داشت در شهر قندهار بشرف خدمت شهنشاه افغان پیوستند
 و شاه درانی در مهاجر نوازی و اسلام دوستی و رأفت که از اکثر سلاطین سبقت جسته بود
 نویسندگان ایرانی را در قندهار حمایت کرد و نویسندگان ایرانی باعتبار مراحم
 شاه درانی که در حیات او کافه انام بوجودش اتکا داشت خواستار شدند تا ایشانرا
 بشمول خدمت در دیوان اعلی مملکت امر سرافرازی بخشد با آنکه تعداد نویسنده
 در خود مردم افغان زیاد بود شاه درانی از روی تققد خدمت آنها را پذیرفت و از آن
 جماعه نویسندگان ایرانی که بدو پذیرفته شدند میرزاهاشم خان (پدر میرزا اعوض
 و میرزا عنبرین) مهرعلی خان خزیمه منشی هادی خان - علی رضا خان - میرزا عبدالغفار خان
 امان الله خان و چند نفر دیگر بودند و میرزا عبدالغفار خان را که نواده اش میرزا عبدالعزیز
 نام داشت ثابت میشود که از آغاز سلطنت درانی در دیوان اعلی و یا استغیاء معالک مجروسه
 بطور ارثی شامل خدمت بوده اند و این چند نفر دیگر مثل محمد عطا خان - میر صفی الله خان -
 محسن خان - میرزا خان - میرزا کلان خان از کابل در قندهار رفته بودند و در سلك نویسندگان
 دیوان اعلی شاهیه شرف ملازمت حاصل کرده بودند . چنانچه میرزا رجب علی - میرزا

عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

امیر شیر علی خان

در عصر سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان و امیر محمد افضل خان و امیر محمد اعظم خان که در آوان سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان مرحوم هر يك مدت كمی با خذ سریر سلطنت نائل شده بودند [تشکیل دیوان اعلیٰ وزارت مالیه به همان ترتیب و اصطلاح قدیم یا دمی شد و ای نویسنده گان مقتدری که بحیث وزیر مالیه بنام های مستوفی الممالک یاد شده اند اولاً شخص میرزا محمد محسن خان [سرمنشی] بود که به لقب دبیر المملک یاد شده است و بعد از جیات اعلیٰ حضرت دوست محمد خان به همان منصب قدیم خود ادامه داد و شخص دیگری که در عصر سلطنت امیر شیر علی خان بشهرت مستوفی الممالک متصدی وزارت مالیه آن عصر [۲] از همه معاصرین مشهور و متمایز بود میرزا حبیب الله خان ورد کی بود که در زبان زد عوام

بقیه حاشه صفحه ۳۸

محمد اکبر - میرزا عبدالهادی - میرزا جلال میرزا عوض میرزا اعلیٰ محمد - میرزا عبدالرحیم - میرزا مهدی - میرزا محمد کریم - میرزا عنبرین که از مستوفیان و منشیان معاصر سلطنت اعلیٰ حضرت شاه زمان و اعلیٰ حضرت شاه محمود و اعلیٰ حضرت شاه شجاع اند از خاندانهای همین چند نفر اند که در عهد اعلیٰ حضرت احمد شاه کبیر از اسماء پدران ایشان نام بردیم .

(۱) میرزا سیف الدین خان مؤلف اثر قیمتداری است که بنام (مجموعه منشآت اکثر

منشیان مشهور زیبا رقم) در عصر اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان تالیف کرده و اثر ایشان در کتابخانه شاهی کابل محفوظ است . (۲) معادل صدراعظم در عصر حاضر .



جناب میرزا حبیب اللہ خان (قوم وردک) مستوفی الممالک عصر
سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان مرحوم یکی از نویسندگان
برجستہ و مشہور آن عصر کہ در صفت نویسندگی و سیاست مملکت
داری شخص لاثانی بود چنانچہ حضرت علامہ استاد محمود بیگ خان
طرزی تصویر او را در سراج الاخبار افغانی بنام یادگار های
تاریخی درج کرده اند (متعلق صفحہ ۴۰ رسالہ دیوان اعلیٰ)

نواحی چهل تن پغمان را تا حال بنام [دره مستوفی] یاد می کنند و آن شخص خیلی مدبر و کاردان و در عصر خود لائانی بود و حکومت عصر زهام امور وزارت مالیه [استیفاً ممالک محروسه] را در کف با کفایت او مفوض داشت .

و قتی که میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک از حضور اعلی حضرت امیر شیر علی خان بنائب الحکومتی هرات اعزام شد این وظیفه به سید نور محمد شاه فوشنجی قندهاری تعلق گرفت که سید موصوف از تاریخ جشن ولیمهدی شهزاده عبدالله جان از سنه ۱۲۸۹ قمری بر تبه صدر اعظم برگزیده شده بود .

و قتی که سید نور محمد شاه خان فوشنجی زمام اختیار استیفاً ممالک را بعنوان صدر اعظم در کف اقتدار خویش گرفت میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک بنائب الحکومتی هرات اعزام گردید و نامبرده تقریباً چهار سال بحکومت هرات بحیث نائب الحکومه قیام داشت .

در سنه ۱۲۹۳ قمری که اعلی حضرت امیر شیر علی خان از پرا کنندگی و منتشر شدن اوراق دفتر و دیوان از میل نویسنده گان دزد باطن ظاهر اصلاح خلل های بزرگی مشاهده کرد میرزا حبیب الله خان را از هرات جهت تفتیش و تنظیم امور دیوان اعلی مملکت در کابل بخواست . در حال وصول میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک مکتوب لارڈ لیستین ان گلیس حکمران کشور هند بحضور اعلی حضرت امیر شیر علی خان در کابل بر سید اعلی حضرت امیر شیر علی خان سید نور محمد شاه خان صدر اعظم را که تا آنوقت عهده

استیفاً ممالك را بنام صدراعظم بر ذمت خویش داشت بحیث نماینده نزد حکمران کشور هندی فرستاد. وقتی که سید نور محمد شاه خان صدراعظم با هیئت معینی عازم پشاور شد در راه جلال آباد از قضای الهی فوت کرد و در قبرستان موسوم به جبهه دفنش کردند. نام سید نور محمد شاه خان صدراعظم با آنکه در افواه خلق چندان مشهور نیست ولی اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم در اخبار شمس النهار [۱] ازان صدراعظم خویش اسم برده است و همچنان در يك پارچه خط که به مهر اعلیحضرت امیر شیر علی خان ممهور و به عنوان جدا مجدم سردار محمد عمر خان [عمر] نگاشته شده است از ثبوت اسم و رتبه صدارت سید موصوف بخوبی شهادت میدهد غرض اینکه وظیفه شخص صدراعظم آنوقت عین همان وظیفه استیفاً ممالك است که قبل از سلطنت اعلیحضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان به اشخاص مذکور تعلق گرفته بود و شخص دیگری که در عهد سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان باین رتبه احراز موقع نمود میرزا محمد محسن خان دبیر سابق بود که در جشن ولیمهدی شهزاده عبدالله جان مکرر به لقب دبیر ملقب شد و اخیراً به رتبه یککنفر هستوفی مقتدر در دیوان اعلی مملکت حق عضویت پیدا کرد و در سنه ۱۲۸۸ قمری و قبل از اشغال مقام صدارت که سپس به آن رتبه جلیله

(۱) شمس النهار اولین اخباری است که در عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم تحت نظارت شاه موصوف و نگارنده گئی مولوی نور محمد نام در بالا حصار کابل به چاپ سنگ انتشار می یافت و کلکسیون آن اخبار در کابل نزد بعض اشخاص دانش دوست موجود است ولی به ندرت پیدا میشود.

خوشتر در غم فغان و در درد
 شمع شستنی تر از تر نشه
 راجع به زلزله و شهاب
 بیان است که در این سال
 عوفین و توفی لایه سرد شاه
 صدر اعظم از صدر در رفته

این يك پارچه خط كوچك از حضور اعلی حضرت امیر شیرعلی خان مرحوم جهة معاش سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم عصر شهریار موصوف باسم جناب محمد عمر خان فوفلزائی (مباشر مالیات) ارقام یافته است و در قید رفعات خطی نگارنده موجود است و باوصفی که ازین گونه اسناد خطی زیاد داریم ولی این حکم نامه برای اثبات عنوان صدارت سید موصوف قیمتدار است.

فائل شده بود (۱) حسب الامر اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان مهیت جنرال پالک انگلیس از کابل جهت تعیین حدود بطرف سیستان مامور گردید و پس از تعیین و تحدید سیستان و پلوچستان را با دولت ایران جهت نگارش توثیق آن در طهران رفته و از راه بمبئی وارد کابل گردید [۲] در خلال احوال همدکور میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک [که در حال اعزام سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم بصوب پشاور] از هرات و از د کابل گردید درین وقت که سید موصوف بر حمت ایزدی پیوست بعوض صدر اعظم متوفا بوطفیة سفارت آن که از پیش رقم شد تعیین وره گرای صوب پشاور گردید پس از انجام کار سفارت وظیفه استیفاء ممالک را بار دیگر اشغال کرد و بامور دیوان اعلیٰ [وزارت مالیه عصر] رسید کی نمود .

یکی از حکایات میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک اینکه در سنه ۱۲۹۵ قمری که شهزاده عبدالله جان وایهعد فرزند اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان فوت شده بود در حال تعزیه داری در همان روز

(۱) شخص میرزا محسن دبیر الملك عصر اعلیٰ حضرت امیر دوست محمد خان که مکرر در جشن ولیمهدی شهزاده عبد الله جان به لقب دبیر ملقب میشود معلوم است که قبل ازین عهده بر وظیفه دیگری موظف بود ولی در تاریخ مملکت این قسمت خوبتر واضح نیست در همه حال چون شخص با کفایت بود اخیراً برتبه جلیله صدر اعظم نیز فائل شد .

(۲) از متن نگارش معلوم میشود که وظیفه وزیر خارجه و سفراء کبار در سلطنت های گذشته توسط مستوفی الممالک و دبیران دانشمند اجرا میگردد و این خدمات ایشان علاوه بر خدمات حربی واداری آنها بود .

مکتوبی از طرف انگلیسان در کابل مواصلت کرد با وصفی که کار
 ضروری بود رلی هیچ يك از ارکان بزرگ سلطنت بتقدیم مکتوب مذکور
 نظر به حزن و اندوه خاطر اعلیحضرت امیر شیرعلی خان از سبب فوت
 فرزند دلبندش شهزاده عبد الله جان احدی مبادرت نمی ورزید تا مکتوب
 را از حضور شاه گذارش دهد. میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک نظر
 به اقتدار خویش حضار مجلس فاتحه رادر کنار کرد و نامه انگلیسان
 را از حضور امیر شیرعلی خان مرحوم گذارش داده و جواب انگلیسان را
 بعتاب ارسال نمود. در موقع فوت اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم در بلخ
 در ماه صفر ۱۲۹۶ قمری میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک اول نائب
 استلا توف و یکتن دا کتر روسی را به معیت دو صد سوار تحت ادا ره
 محمد حسن خان قزاقباش که منصب اجیدنی داشت در شب سوم فوت آن پادشاه
 خلد آرامگاه زود از خاک افغانستان عبور داد - بعداً بعزم اطفای نائره
 شورش افواج تخته پل سیاست قابل قدری بکاربرد - چون نائره شورش
 افواج تخته پل خاموش گشت بمعیت سردار محمد هاشم خان و سردار نیک
 محمد خان و سردار ذکریا خان و سردار محمد یعقوب (خان ثم امیر محمد
 یعقوب خان) را بپادشاهی افغانستان برگزیدند و مستوفی الممالک مرحوم
 در عهد سلطنت امیر محمد یعقوب خان نزد انگلیس ها بطور نماینده
 در (خوشی) فرستاده شد - تا زمان اعلیحضرت امیر محمد یعقوب خان وظیفه
 استیفاء ممالک به میرزا حبیب الله خان و همچنان وظیفه دفتر انشاء

(دارالتحریر شاهی در عصر حاضر) به میرزا محمد نبی خان واصل و میرزا
محمد حسن خان دبیر تعلق گرفت (۱)

(۱) اسماء چند نفر میرزا و منشی عصر اعلی حضرت امیر شیر علی خان مرحوم که
الی عصر سلطنت اعلی حضرت ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان در رقعات خطی
ملاحظه شد عبارت ازین چند نفر است که سواى مستوفی ها و منشی های مشهور آنوقت
در دیوان استیفاء و مما لك عضویت داشتند :

۱ : میرزا عبد العلی سر دفتر خالصه جات .

۲ : سلطان علی - محمد مرید - میر محمد عثمان - صفدر علی - اعضاء دیوان استیفاء .

۳ : میرزا ظاهر - هرچی مل زیر داستان فرجن داس .

عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

ضیاء الملة والدين

در عهد سلطنت اعلیٰ حضرت ضیاء الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان میرزا محمد نبی خان واصل بحیث سردبیر [سرمنشی] کما فی السابق بعهد خود پسندیده آمد و منزل سردار عنایت الله خان معین السلطنه صاحب مرحوم [که چندی قبل ریاست مستقل مطبوعات آنرا اشغال کرده بود] بنام سرای دبیر که همین میرزا محمد نبی خان واصل بود شهرت داشت این سرای نشیمن گاه میرزا محمد نبی خان دبیر المملک بود که در زبان دری دیوان ماکملی در اشعار تصنیف کرده است و این دو مطلع ذیل از اشعار موصوف فی الموقع نگاشته میشود:

بیا ای از دهان نوش خمدت حل مشکلمها

لبی چون غنچه خندان سازو بکشا عقده از دلها
مطلع دیگر
ساقیا فصل گل آمد می گلفام تو که

آب تو آتش تو پخته تو خام تو کو
بقول میرزا محمد ناصر خان خوش نویس [اسبق منشی حضور اعلیٰ حضرت سراج الملة و الدین امیر حبیب الله خان شهید] که خوهر زاده واصل مرحوم بود حکایت میکرد که شخص واصل خیلی بد چهره و کوتاه قد ولی تند مزاج و خبیر بود و شبیه ای نیست که واصل و میرزا عبدالرشید خان منشی در عصر نزدیک در فن خود هالائافی و خیلی سیاست مدار بودند.

پس از فوت میرزا حبیب‌الله خان مستوفی الممالک (از عصر اعلیحضرت
 امیر شیرعلی خان تا اینوقت) عهدهٔ بزرگ امور اداری کشور و بالا تر
 از همه کارپردازان دولت که آمریت امور دیوانی را از حیث وظیفه به
 مستوفی الممالک باید تطبیق کرد در عصر سلطنت ضیاء المله والدین سردار
 نصرالله خان دو هین فرزند آن شاه خلد آرامگاه تعلق گرفت و در عصر
 سلطنت پدرش ضیاء المله والدین در رأس همه مستوفیان و کارپردازان
 مملکت نظارت داشت زیرا که شخص اعلیحضرت ضیاء المله والدین هم
 با امور سیاسی داخلی مملکت و هم بر وظائف دول خارجه مصروفیت داشت و سردار
 حبیب‌الله خان (ثم اعلیحضرت سراج المله والدین امیر حبیب‌الله خان)
 بر وظائف عسکری عصر می پرداختند از آن اشخاص که تحت اثر سردار
 نصرالله خان) قائم مقام مستوفی الممالک یا وزیر مالیه) بر وظائف دیوانی
 مملکت در آن حال حق آمریت برد گران داشت اول میرزا میر محمد حسین
 خان و بعد نرنجن داس وزیر دستان آن میرزا میر محمد طاهر و هر جی مل
 هندو بودند و از دستهٔ منشیان زبده که بعضاً ارتباط خاص با امور دیوان
 مالیه داشتند بالمراتب تحت اثر سردار نصرالله خان (ثم نائب السلطنه) بر
 وظائف مقررہ حسن خدمت بجا می‌کردند.

مستوفی‌های بلاد را در آن وقت غالباً سر رشته دار مینامیدند و اشخاص
 دیگر بنام سربولک و یابولک دار و سارجن مهجر و سردفتر و امثال آن
 که تحت اثر مستوفی الممالک در اطراف مملکت قرار داشتند کسانی بودند
 که در عصر سلاطین سدوزائی معادل آنها را عمال و ضباط و مستاجر

مالیات یاد کرده اند ولی عنوان مستوفی الممالک بطور مستقل مانده
 ادوار گذشته بمیرزا میر محمد حسین خان و یا نر نجین هندوار تباط
 نداشت و شخص سردار نصرالله خان که زمامدار بزرگ امور دفتری عصر
 بود قد جناب ایشان نیز عنوان استیفاء ممالک نداشته و محض زمام
 اختیار بطور اعزازی و اختیاری بکف اقتدار آن شهزاده فامدار از طرف
 اعلیحضرت ضیاء المله والدين سپرده شده بود شخص دیگری که در امور
 دیوان و دفتر عصر سلطنت اعلیحضرت ضیاء المله والدين امیر عبدالرحمن
 خان شهرت دفتر داری داشت ملک اصغر خان مرحوم ساکن ده افغانان
 بود که با شهرت «ملک» خدمات زیادی را انجام داده و در اوقات طولانی
 با صلاحیت کامل و به صداقت خدمت کرده است .





جناب میرزا محمد حسین خان مرحوم (قوم صافی) مستوفی
 الممالک و نائب سالار ملکی و نظا می در عصر سعادت تحصیل
 اعلیٰ حضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان شهید
 و آخرین شخصی که لقب استیفاء ممالک در افغانستان
 بختم عمر او اختتام یافت .

عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

سراج الملة والدين امير حبيب الله خان شهيد

در عصر سلطنت سراج الملة والدين امير حبيب الله خان شهيد اين عهد
بزرگ استيفاء ممالك در آواسط سلطنت آن شاه خلد آرمگاه
بميرزا محمد حسين خان ملقب به مستوفی الممالك تعلق گرفت که موصوف
قبلاً در عصر ضياء الملة والدين امير عبد الرحمن خان کو توال و برکد
وسر دفتر محاسبات دولتی و درين وقت (سراج الملة والدين) بر تبة نائيب سالار
ملکی و نظامي و خانى سمت شمالی سرافراز شده و پس از شخص
نائيب السلطنة افخم جناب سردار نصر الله خان مرحوم در تمام بلاد کشور
حق فرمان روائی داشت و آخرین شخصيکه سلسله خدمات گذشتگان را
از حيث اسم و عهده داری دیوان اعلی (وزارت مالیه) در مملکت
اقغانستان قائم داشت همین شخص ميرزا محمد حسين خان مرحوم بود
که مسکن مالوف اوسید خیل کوه دامن از عشیره صافی می باشد و در ماه
حمل ۱۲۹۸ شمسی مطابق ماه رجب ۱۳۳۷ قمری در اثر اشتباهی
بامر اعلیٰ حضرت امان الله خان شاه مخلوع در کابل بشهادت رسید و در
اواخر عمر مرحوم کار پنبه نهای آزاد نیز بوی تعلق داشت
جناب ملک الشعرا استاد بیتاب در باره مستوفی الممالك مرحوم
چه خوش میگوید :

بهشت مسکن مستوفی الممالك باد که رفت باز نظیرش ازین دیار نداشت
ازان بزرگ منش سرگروه اهل قلم نشان اندک اگر هست در خلیلی ماست

حاجی نظام الدین خان پدر محترم هم از او صاف مرحوم حکایت می کنند که در حال محکوم شدن اعدام در حصه مقتل بکمال جرئت که در سیمای او تغییری نبود چنین با نعره گفت :

مرا کشتی و تکبیری نکفتی عجب سنگین دلی الله اکبر

پس از سنه ۱۲۹۸ شمسی لقب مستوفی الممالک - وکیل الرعایا -
ذیبرا المملک - امین المملک - امین الدوله - نظام المملک [۱] و خزانه چی
و مستاجر مالیات و امثال آن بطور عموم بلفظ وزیر - معین - رئیس -
مدیر - مامور - سر کاتب - کاتب تبدیل یافت و داروغه مالیات و ناظر
و مهمتم چنانچه در قدیم اصطلاح بود به سر رشته دار تبدیل یافت و همچنان
ضابط مالیات به مامور مالیه تغییر کرد ولی تنها کلمه مستوفی تا هنوز

(۱) در عصر امیر کبیر اعلیحضرت دوست محمد خان لقب نظام المملک و امین الدوله برای
حکام و رعایای ملی نیز خطاب شده بود مثلاً در سنه ۱۲۶۶ قمری در عهد امارت امیر کبیر
محمود خان نام سر پلی - که با اتفاق فتنه جویان اوزبک به آفچه راه متصرف شد - آنوقت
سردار محمد افضل خان نائب الحکومه بلخ به همراهی و معاونت میر حکیم خان شیرغانی و غضنفر خان
اندخوشی محمود خان را مغلوب و دستگیر کرده و به مکافات کردارش بقتل رسانید .
و قتیکه سردار محمد افضل خان مؤده فتح آفچه را از تصرف محمود خان و مقتول
شدن وی بحضور پدرش امیر کبیر در کابل معروض داشت در ذیل معروضه مؤده فتح
از باری و صداقت میر حکیم خان و غضنفر خان نیز یاددهانی نمود - امیر کبیر در اثر
پیشنهاد سردار محمد افضل خان پسر خود بجائزه خدمات میران مذکور فرمان حکومت
شیرغان را با لقب « نظام المملک » بنام میر حکیم خان اعطا فرمود و فرمان حکومت
افغانوی را با لقب « امین الدوله » اسمی میر غضنفر خان از داریا السلطنه کابل امر اصدار
بخشید و علاوه از حضور خود سجع مهر غضنفر خان را بدین بیت آراسته و در ترکستان
برای مزید افتخارش امر ارسال عنایت کرد :

ز لطافت امیر دادگستر / امین الدوله شد میر غضنفر



یکی از نویسندگان لائق و صادق وطن جناب میرزا محمودخان
فوفلزائی ولد احمد خان اسبق برگرد نظامی و امین نظام
اولین شخصی که در تشکیل حکومت اما نیه بعنوان وزیر مالیه
در مملکت شناخته شده اند .

« متعلق صفحه ۵۱ رساله دیوان اعلی »

در مملکت عزیز حمایت شده است مگر حیثیت مستوفی هادو امروز به تناسب اقتدار مستوفی های ادوار گذشته مطابق نیست بطوری که مطالعه کردیم مستوفی الممالک تقریباً و بلکه عیناً صدر اعظم در عصر حاضر و مستوفی معادل وزیر نفوذ و اقتدار داشت و قریباً ری که ملاحظه کردیم بین صدر اعظم و مستوفی الممالک در اعصار گذشته چه در ایران و چه در افغانستان فرقی نبود ولی باوصفی که در عهد سلطنت اعلیحضرت امیر حبیب الله خان شهید عنوان های دیگری مانند اعتماد الدوله دارالاعدالت [وزارت عدلیه] و ایشیک اقاسی نظامی و ایشیک اقاسی مملکی و ایشیک اقاسی خارجه و کذا نایب سالار و امین نظام و امثال آن علاوه شد مگر عهده استیفاء ممالک را نتوانستند از زمین بیرندزیر آن شعبه بزرگت بداشتن و وظیفه معین مثل وزارت مالیه - تجارت - کمرک امروز تقریباً به دیوان اعلی [عصر سدوزائی] شباهت میرساند و بدلائلی که ذکر شد مقام و نفوذ خود را تا این او آخر حفاظت کرد و حتی گویند که میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک بحدی مقتدر بود که بعد از شخص پادشاه احدی باین مرتبه در امور مملکی اقتدار نداشت و بلکه اعلیحضرت سراج المله والدین بدون همراهی مستوفی در هیچ يك سفر دور و یا نزدیک حرکت نمی کرد و آن حیثیتی که دیوان اعلی و دارنده آن در ادوار گذشته داشت درین نزدیکی ها میرزا محمد حسین خان تقریباً شباهت بهم رساند و نفوذ هم

و صلاحیت تام خود را تا این اواخر نگهبانی کرد [۱] از سنه ۱۲۹۸ شمسی باینطرف در افغانستان در تشکیل حکومت عصر دیوان اعلی و با دیوان مالیه و با استیفاء مالک محروسه بنام وزارت مالیه تبدیل یافت و صلاحیتی که در ادوار گذشته بر تمام امور مملکت داشت از اقتدار دارنده وزیر مالیه بدرشد مثلاً بر پهلوی عنوان وزارت مالیه وزارت خارجه حریبه - داخله - تجارت - زراعت - عدلیه افزود شد و هر وزارت اندازه کار و وظائف خود را عندالاقضاء از وزارت مالیه [اسبق دیوان اعلی مملکت] مجزا ساختند و همه ادارات بزرگ و کوچک از وزارت مالیه منفک شدند و شکل مستقلی بخود گرفتند که دراصل همه آنها از ارکان وزارت مالیه و متصدیان آن از اعضا آن مقام بشمار میرفتند: در آغاز دوره امالیه تشکیل کابینه چنین بعمل آمد:

- ۱- سپه سالار [اعلی حضرت غازی محمد نادر شاه شهید].
- ۲- وزیر خارجه: مرحوم جناب استاد محمود بیگلر خان طرزی.
- ۳- مرحوم علی احمد خان وزیر داخله.
- ۴: مرحوم میرزا محمود خان ولد احمد خان قوم فوفلزائی وزیر مالیه.
- ۵: مرحوم عظیم الله خان صد وزائی وزیر زراعت.
- ۶: مرحوم غلام محمد خان وزیر تجارت.

[۱] میرزا ابوالقاسم خان نام هم از جمله کارگذاران دیوان شاهی در عهد سلطنت اعلی حضرت سراج المله والدین بوده اند ولی میرزا ابوالقاسم خان مذکور در جمله نویسندگان و کارپردازان عصر سراجیه مانند دیگر شخصیت های اداری و حستانی آنقدر شهرت ندارند.



سیادت یناه جناب
 میرزا میرهاشم خان
 مرحوم یک تن از
 نویسنده گان لائق
 و با کفایت افغانستان
 شخصی که در عصر
 سراج المله والیدین
 امیر حبیب الله خان
 شهید سردفتر ما بنخا نه
 دارالسلطنه کابل
 بودند و بعد از جناب
 میرزا محمود خان
 مرحوم در عصر امانیه
 وزیر مالیه در مملکت
 شناخته شده اند و در
 آوان وزارت خویش
 در امور مالی و حسابی
 دولت خدمات قابل
 قدری را انجام

داده اند چنانچه نظامنامه های مالیاتی افغانستان که در عصر امانیه در مطبعه
 سنگی شرکت رفیق تطبع رسیده است همه از یادگار عصر وزارت موصوف است که
 در آوان وزارت ایشان تدوین و ترتیب شده است .

« متعلق صفحه ۲۰ رساله دیوان اعلی »

۷: مرحوم محمد ابراهیم خان بار کزائی وزیر عدلیه [۱]

از جمله وزراء اول وزارت مالیه در عصر امانیه اول میرزا محمود خان فوفلزائی اسبق امین نظام - دوم سیادت پناه میرزا میرهاشم خان دران دوره بیشتر شهرت و قدامت داشتند ولی باید گفت که ازین دو تن محض بعنوان وزیر مالیه دران عصر نام می بریم نه بنام مقصدی [دیوان هما یون اعلی] زیرا که وظیفه وزارت مالیه عصر امانیه و عصر حاضر جزء وظایف دیوان اعلی در ادوار ما قبل بشمار میرفت و در سابق رجال ملکی بهر دو وظیفه ملکی و نظامی و بر جمیع امور کشوری و لشکری حق مشارکت و بر تمام مملکت صلاحیت فرمان روایی داشتند [۲] و امور حمل و نقل تمام مملکت که قبلاً به دیوان اعلی ارتباط داشت و امر حمل و نقل تحت اثر عنوان واستیفاء ممالک بدان رسیدگی میکرد در آغاز دوره امانیه مانند دیگر ادارات از وزارت مالیه منفک شده عنوان مستقل [مدیریت عمومی قلیه] بخود گرفت و از جمیع امور حمل و نقل افغانستان رسیدگی میکرد و اعضاء مدیر عمومی قلیه در تمام نقاط افغانستان برای اجرای اوامر حکومتی بمنزله وزیر اجراء میکردند - اولین مدیر عمومی نقلیه عصر امانیه نظام الدین خان فوفلزائی [بدرنگارنده] بودند و این اداره نیز در ادوار ما قبل جزء دیوان اعلی مملکت بود و در عصر امانیه عنوان مستقل حاصل کرد [۳].

[۱] تشکیل کابینه عصر اعلی حضرت امان الله خان شامی مخلوع با ستنداصفحه ۱۸۴ کتاب نادرا افغان منطبعة مطبعة عمومی کابل ار قام یافت.

(۲) ورقة پاسپورت را که در قدیم خط راهداری میگفتند لار یک پارچه که نودبنده موجود است در ظهر کاغذ مهر مستوفی الممالک مهور است و بمهر مستوفی الممالک اعتبار یافته است.

(۳) رسمیت و خدمات مدیر عمومی نقلیه نظر با ستاد ایشان که در دستدار نهادت است.

در برج میزان سنه ۱۳۰۸ شمسی که زمام سلطنت افغانستان به کف با کفایت اعلیحضرت محمد نادر شاه مبرور قرار گرفت - معظم له در قسمت تشکیل اساسی سلطنت شاهی افغانستان و توسیع ادارات کشوری بیش از پیش کوشیدند که ازان جمله وزارت مالیه در قطار سائر وزارت ها مقام خود را که از نقطه نظر امور مالی و حسابی در مملکت حق اولیت دارد با تضایق شعبات و وظائف مربوطه خویش کوشید و در پهلوی وزارت مالیه علاوه بردگر وزارت نهائی که در عصر سلطنت شاه مخلوع اعلیحضرت امان الله خان ایزاد شده بود وزارت مخبرات - معادن - فوائد عامه نیز بوجود آمد و بالاخر وزارت تجارت بعنوان وزارت اقتصاد مبدل گردید و شخصیکه در ابتدای سلطنت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید زمام امور این وزارت را بدست گرفت اول میرزا محمد ایوب خان بود [که بعد از حیات جناب میرزا میر هاشم خان آقا آخرین وزیر مالیه عصر سلطنت اعلیحضرت امان الله خان در ختم دوره انقلاب و فاجعه یافتند در رأس وزارت مالیه قرار داشتند و سپس میرزا محمد خان یفتلی بحیث وزیر تجارت و وکیل وزارت مالیه شناخته شد و دوم میرزا محمد خان یفتلی مدت مدیدی از عصر سلطنت اعلیحضرت شهید الهی نیمه دوره درخشان ظاهر شاهی در تمام دوره زمامداری والا حضرت مرحوم سردار محمد هاشم خان صد را عظم بعضا

نوت: متن صفحات متعلق عصر سعادت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید و عصر درخشان ظاهر شاهی باستناد سا لنامه های کابلی نگارش یافته است.

پنج نفر از وزراء و زما مداران محترم معاصر وزارت مالیه که از بدو سلطنت
 اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید تا دوره درخشان سلطنت ظاهرشاهی درامتداد
 تصدی امور مالی و حسابی مملکت وقتاً فوقتاً مصدر خدمات قابل قدری شده اند



بناغلی میرزا احمد خان یکتا



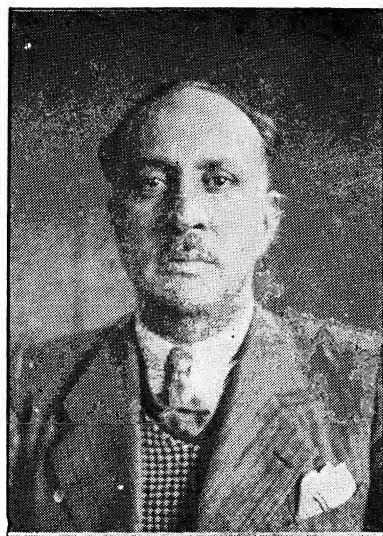
بناغلی میرزا آ محمد ایوب خان



بناغلی میر محمد حیدر خان حسینی



بناغلی میرزا محمد نوروز خان



بناغلی غلام یحیی خان طرزی

بعیث وزیر تجارت و وکیل وزارت مالیه و اغلب بعنوان وزیر مالیه
در رأس این وزارت قرار داشتند.

و قتی که عنوان وزارت تجارت بعنوان وزارت اقتصاد ملی مبدل
گردید و بناغلی عبدالمجید خان زابلی بنام وزیر اقتصاد شناخته شده
این وقت میرزا محمد خان یقلمی تنها عهده وزارت مالیه را بر دوش داشتند.
سپس شخصی که درین عصر بنام وزیر مالیه دران مقام برگزیده شد
میرزا محمد نوروز خان بودند که بعد از طی يك دوره خدمت در تشکیلات
کابینه و الاحضرت غازی سردار شاه محمود خان سپه سالار و صدراعظم
بعیث وزیر داخله شناخته شدند و مدتی بطور مکرر نیز در رأس وزارت
مالیه قرار داشتند و در تغییر کابینه و الاحضرت اشرف سپه سالار
میر محمد حیدر خان حسینی زمام اختیار این وزارت را بدست خویش گرفتند
و بعد از طی دوره های خدمت آنها جناب غلام یحیی خان طریزی بعیث وزیر
مالیه عزت قرار حاصل کردند و جناب موصوف الی ختم صدارت و الاحضرت
سردار شاه محمود خان سپه سالار درین وظیفه مهمه ابراز خدمت گزاری بجا
کردند در آغاز صدارت و الاحضرت سردار محمد داؤد خان صدراعظم افغانستان
در تشکیلات کابینه ایشان عمید المملک عبدالرحیم زی [وزیر مالیه]
با این عهده گماشته شدند.

توضیح

لفظ اعلی را که در عنوان این اداره قبلاً نسبت کرده بودند سبب آن بود که خود کلمه اعلی و یادیوان همایون اعلی حاکی از کمیت مطلق خود در برابر تمام ادارات حکومت محض ثابت میکرد و چیزی که با احترام شخصیت های متصدیان او در اعصار پیشین می افزود همین که باد اشتهن این عهده بزرگ از انجام هیچ وظیفه دیگر روگردان نشده اند و محض نظریات حکومت خویش را مکران بودند بهر طرف و بهر خدمتی که اعزام میشدند خصوصاً در محاربات آنوقت بدون مسامحه بحیث یک جنرال بزرگ داخل کار زار میکردید و این جنرال ها گاهی بنام سفارت گاهی بعنوان صدارت - وقتی بنام استیفاء ممالک - زمانی بنام اردو باشی - امیر لشکر نائب سالار - خدمات مهم عسکری و ملکی را نیز انجام میدادند ولی تأسف بزرگ اینجاست که خلال صفحات تاریخ افغانستان را جنگ نامه ها احتوا کرده و واقعات خونین در بر گرفته و مؤرخان گذشته بتذکره احوال رجال کشوری و عرفانی مملکت با هر فضیلتی که در گذشته اند کمتر از شرح زندگی آنان حرف می زنند و اسنادی که از حق خدمت و مبرات شخصیت هر یک شهادت دهد چه از حیث انقضای ایام و چه در امور تقالیب زمان و خصوصاً دست استعماری که دو اوایل قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ در مملکت عزیز دراز شد و اوضاع خانه برانداز داخلی و خارجی افتتاحات خادمندان هارا که مر بوط و فائق ذی قیمت و مجموعه آن سرمایه بزرگ



شاغلی عبدالملك عبدالرحیم زی، - شخصی
که در دوره وزارت ایشان وزارت مالیه
شکل برتری بخود گرفت و اخبار ثروت
برای بر آوردن مقاصد مالی - اقتصادی
حقوقی - تربیوی مجدداً تاسیس گردید .

مفاخر ملی را بار می آورد از بین برد و الحال ادراك سوانح مفصل و مستند اشخاص را که شرح آن بحسن خدمات مردان مدبر و افتخار ابناءى عصر بیفزاید از نظر خدمات سیاسى و عسکرى على العموم و از نظر امور کشوری على الخصوص محال و مشکل میدانیم :

باینوقت اشخاص متمتع و کسانیکه در جستجوی اینگونه معلومات از حیث وظیفه و یا از فرط ذوق خود را مکلف میدانند و یا بدینگونه داستانها سروکاری دارند مشکلات را خوب حس می کنند.

علت بزرگ تذکره پردازی و یا نقص تاریخ نویسی در مملکت ما از اینجا است که طبعاً در خود عصر نویسنده از سببی که نگارش او پهلوهایی دیگری پیدا نکند به نگارش تاریخ و تذکره علناً مبادرت نه ورزیده است و اگر در اخفا چیزی نگاشته است طوری که در بالا گفتیم تقالیب زمان از بین برد و اگر بخواهیم این مفکوره را با دلائلی بیشتر ایضاح کنیم در وطن ما چون روح مساعدت و همکاری با همی کمتر وجود دارد و علاوه بر بقدر دانی از خدمات رجال سلف تا هنوز بطوریکه شاید عادت نکرده ایم لهذا هر کس یکی از نسخه های قلمی را اگر با خود دارد از حیث عدم مشارکت با افتخارات ملی چه از سپردن بمنصه طبع و نشر و چه از تعرف با اشخاص نویسنده اهمانی ورزند و اقلاً گروه نویسنده هم در مملکت ما تا عقد جائزه را در مقابل آثار ایشان بعمل نیاورند و یا از طرف حکومت با مرئی رسماً مؤظف نگردند در راه افتخارات ملی قدم و قلم کوتاه میدارند.

ازین اجاظ پس کتب خطی و اسناد تاریخی منحصر با اشخاص مفکوره ها

های احساسیون در کلمه‌های پرورد - ولی امید داریم که از اثر تنویر اذهان عامه وقتی که افتخارات ملی را حق مشترک افراد جامعه دانند آن را و افکار جمعیت کارهای بزرگی را که امثال بیشتر اینگونه آرزوهای دیرینه و آمال پسندیده باشد بدون تفوق و تعصب بوجود خواهند آورد و این غنیمت است که در حال عدم وسائیل کافی و با شرائطی که این مقاصد راز و دتر انجام دهد در اثر سعی چند نفر محدود چنین نگارش و تذکره‌های مختصر از برای تحریک و تربیه افکار توده بوجود می‌آید و نقائصی که اگر فعلاً در نگارش بنده و یاسائرین پدیدار است توجه کسانی را که در باره اشخاص سلف معلومات بیشتری از حیث قرابت قومی و یا نسبت نواده‌گی داشته باشند و یا باین وظائف اختصاص و علائقی دارند معطوف میدارم شاید در اثر کنجداوی ایشان سلسله این مقاله از رساله در گذشته صورت کتابی را در تاریخ نوع تحصیل مالیات و طرز دفتر داری ادوار گذشته و تذکره مفصل زندگانی خدام نامدار و وفادار افغانستان در بر خواهد گرفت و همچون مجموعه افتخارات ملی را که درین مواقع مساعد جمع آوری شده و میشود در محضر استفاده هموطنان و هواخواهان اعتلای وطن تقدیم نمائند و علی‌العجله این چند صفحه مختصر را که خالی از سهو و اشتباه نخواهد بود درین مورد محرک فکر خود دانسته از روی همکاری مضامینی نگاشته و بجزیده ثروت ارسال دارند تا باشد که بعنایت عمیم - سرت ایند توانا در اثر غور و تعمق مزید اشخاص خبیر مضامین زیادی در آبنده قریب بوجود آید و به یمن همت وزیر هالیه که روح تازه‌ای را در کالبد دو صدوده ساله این وزارت

میخواهد در آورد و لفظ تاریخی او را به معنی امروزی آرزو دارد در اثر
 فعالیت تطبیق دهد و همچنان نویسنده جوان بناغلی محمد یونس حیران
 که از اثر قلم ایشان جریده زیرمه «ثروت» در وطن اشاعه می باید مسرات
 دگر را از اثر مضامین مفید عرفانی - تاریخی - مالی - اقتصادی با بنای
 مملکت مزده مطالعه می بخشد - و این احقر با گرفتاری زیادی که در مطبعه
 عمومی کابل دارم تا حد قدرت درین باره دریغ نکردم :

عشق می ورزم و امید که این فن شریف
 چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

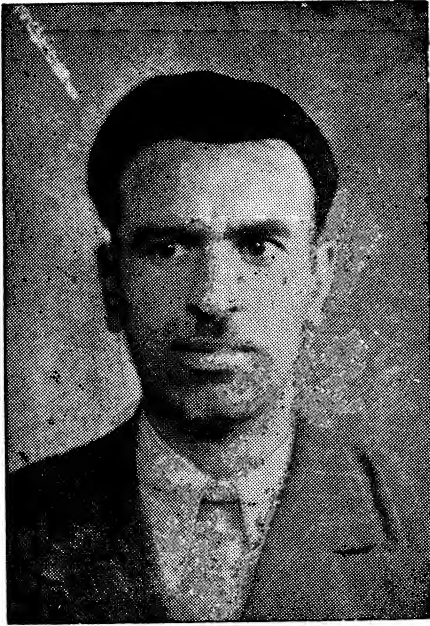


ما آخذ و مدارك این رساله

چون مطالع تاریخ متوجه ما آخذ اثر منطبع میباید لازم است که بفرض
انکاء خواننده. ما آخذ ذیل را بپردازم تا در قسمتی اگر باشتباهی برخورد
یاصل ما آخذ مراجعه فرمایند :

- ۱ : تاریخ ایران اثر سر جان مالکم انگلیس ترجمه میرزا اسمعیل
حیرت ایرانی.
- ۲ : متمم روضة الصفای قاصری
- ۳ : مجمل التواریخ زنده - اثر میرزا ابوالحسن
- ۴ : جلد دوم مطلع الشمس - طبع ایران
- ۵ : اردو کشی نادرشاه [افشار به هندوستان] اثر کرنیل شکیشف
روسی ترجمه و طبع ایران
- ۶ : نادرشاه فرزند شمشیر اثر نوز الله لارودی طبع طهران
- ۷ : تاریخ افغانستان اثر شهزاده علی قلی میرزا نسخه قلمی
- ۸ : تاریخ احمدشاه درانی اثر منشی عبدالکریم نسخه قلمی
- ۹ : سیرالمتاخرین اثر طباطبائی طبع هند
- ۱۰ : تاریخ افغانه اثر سید ظهیرالحسن موسوی
- ۱۱ : حیات افغانی اثر هبتي محمد حیات خان
- ۱۲ : خورشید جهان اثر شیر محمد خان گندابوری
- ۱۳ : جوامع التواریخ اثر قاضی فقیر محمد

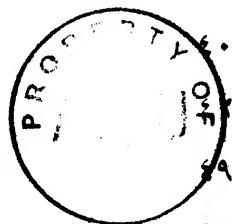
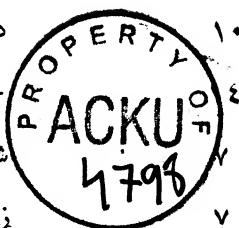
- ۱۴ : تاریخ افغانستان - اثر منشی احمد جان
- ۱۵ : تاریخ سلطانی اثر سلطان محمد خان خالص .
- ۱۶ : تاج التواریخ اثر ضیاء الملة والدين امير عبدالرحمن خان ،
- ۱۷ : جلد اول و دوم سراج التواریخ اثر ملا فیض محمد مغل - طبع کابل
- ۱۸ : شماره های سراج لاخبار افغانی -
- ۱۹ : کتاب موسوم به واقعات شاه شجاع - طبع کابل .
- ۲۰ : کتاب موسوم به عروج بار کزائی طبع کابل .
- ۲۱ : احمد شاه بابا اثر میر غلام محمد خان غبار طبع کابل .
- ۲۲ : درزو ایای تاریخ معاصر افغانستان اثر کهزاد - رئیس انجمن تاریخ .
- ۲۳ : کتاب نادر افغان - اثر مولوی برهان الدین کشککی - طبع کابل
- ۲۴ : کتاب تاریخ تیمور شاه درانی - اثر اینجانب مستند بر اسناد معتبر خطی و نقل کتیبه ها و اشعار تاریخی .
- ۲۵ : کتاب موسوم به درة الزمان اثر اینجانب [تحت تالیف است و تا هنوز به منصفه طبع و نشر سیرده شده است] .
- ۲۶ : رقعات خطی از عصر اعلیحضرت امیر دوست محمد خان الی عصر سراجیه و اما نیه . [قید مرقع اسناد شخصی نگارنده]



عزيز الدين وكيلى « فوفلزانى »

اغلاط طباعتی رساله دیوان اعلیٰ چنین تصحیح شود

صفحه	سطر	غلاط	صحبت
۷	۷	معبر	معنیر
۷	۱۰	دیوای	دیوان
۱۳	۴	خدمتی	خدمت
۱۵	۷	شا	شاه
۱۷	۷	زسنه	ازسنه
۱۷	۱۴	وراسی	وارسی
۲۰	۱۶	با آنکه	به آنکه
۲۰	۲۳-۲۰	ندام	ندرام
۲۲	۱۱	فرضه	فرزه
۲۹	۱۸	فز	نزد
۳۱	۱۴	اساسی	اساس
۳۳	سطر اخیر	فصل	مفصل
۳۵	۶	شیر	شعر
۴۰	۱۸	میزا	میرزا
۴۲	۱۳	ولیعهد	ولیعهد
۴۹	۱۷	معروضه	معروضه
۵۶	۲۰	مفکوره‌های	مفکوره‌های



وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
-الای-

تذکر
دیوان ہمایون اعلیٰ
یا

وزارت مالیہ

• دیرایمون داستان تاریخی استیفا ممالک محروسہ •



نویسنده : عزیزالدین وکیلی - فوغلزالی

انتشار اثر جدیدی را که حاوی داستان مختصر
تاریخی استیفاء ممالك محروسه - و تذکری از
جان نثارهای مردان قومی ادوار گذشته - و یاد
کاری از اقتصاب وزارت مالیه کشور عزیز
افغانستان است در محضر مطالعه ذوق مند ان
تاریخ عرفانی وطن تقدیم داشته و افتخار کار
نامه های متصدیان دیوان اعلی مملکت را که
تازه به طبع و نشر میرسد برار باب قلم و وارثان
معنوی ایشان تبریک میگوئیم و بر ارواح پاک
بزرگترین شخصیت های قلم و شمشیر تحیت می
فرستیم. عزیز الدین

تشکر

از الطاف والاحضرت سردار محمد داؤد صدراعظم که بنده را در راه خدمات عرفانی کشور تشویق و تلقین فرموده اند و از التفات بنا علی عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیه که خواهش مؤلف را در نشر رساله دیوان اعلی در اخبار ثروت و هم بصورت رساله علیحده منظور داشته اند عرض شکر آن میدارم.

و از معاونت های معنوی و مساعدت های اخلاقی ایشان که درین باره میبذول داشته اند مجدداً مراتب قدردانی خود را تقدیم میکنم.

عزیز الدین

وان آثارنا تدل علیہا

فانظروا بعدنا الی الآثار

از انتشارات جریمہ ثروت و ذلت مالیات

برج اسد ۱۳۳۴ ش

طبع مطبعہ عمومی کابل